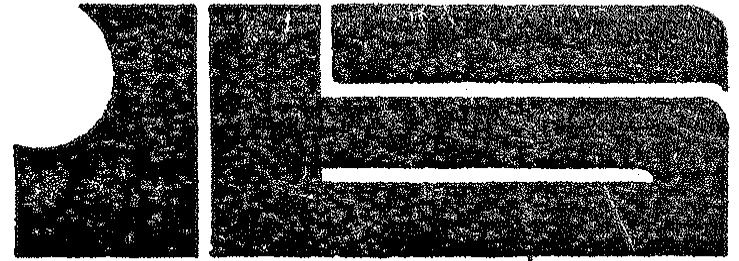


مرك بر امپرياليسم
امريكا
دشمن اصلي خلق ما



كارگران و زحمتكشان
متحد شويد

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۹

سال دوم شماره ۶ سازمان چريكهاى فدائى خلق ايران ۱۶ صفحه - قيمت ۲۰ ريال

افول امپرياليسم هر روز شتاب بيشتري مي گيرد و چشم انداز پيروزي زحمتكشان جهان نمايان تر مي شود

- قيام دلاورانه مردم كره جنوبي حكومت سرسپرده اين كشور را در آستانه سرنكوبي قرار داده است.
- گسترش مبارزه سياهان عليه نژادپرستي. امپرياليسم امريكا را با دشواريهاي بيشتري روبرو ساخته است.

در صفحه ۴

باندهاى ضد انقلاب را متلاشى سازيم

باند بختيار - اويسي خرمن ها را آتش مي زنند

باند جنائتكار و وابسته بختيار - اويسي با بهره برداري از زمينه نارضايتيهاي كه توده ها از گراني، بيگاري و وضعيت نابسامان موجود دارند و با تكيه بر ناآگاهي بخشي از زحمتكشان قصد دارند در نقاط مختلف ميهنمان برنامه هاي امپرياليسم را پيش ببرند.

در صفحه ۶

اعتياد زائيده نظام طبقاتي است

تاكنون بلندگوهاي تبليغاتي امپرياليسم و سرمايه داري اينگونه تبليغ کرده اند كه اعتياد يك ميل باطني و يك خواست و اقدام شخصي است نه اجتماعي! پرواضح است كه شرايط اجتماعي حاكم بر جامعه است كه شخصيت افراد آن جامعه را شكل مي دهد. اعتياد مثل هر عادت مسموم ديگري اكتسابي است نه فطري و به اين جهت هم هست كه مي تواند با نابود شدن علت بوجود آورنده اش يعني نظام طبقاتي و مناسبات سرمايه داري از بين برود.

در صفحه ۱۱

آرمان مردم و نخستين مجلس شوراي ملي جمهوري اسلامي

در آستانه افتتاح نخستين مجلس شوراي ملي در جمهوري اسلامي قرار داريم اين مجلس بدون ترديد آئينماني خواهد بود كه در آن ويژگي هاي نظام جمهوري اسلامي ايران منعكس است و به اين دليل حدود توانايي مجلس در پيشبرد مبارزات ضد امپرياليسمي مردم و حل مشكلاتي كه جامعه با آن روبرو است، قابل پيش بيني است.

صف بندي ها و فراكسيون هاي احتمالي در مجلس نسي تواند خارج از مناقشات قرار گيرد كه هم امروز در درون حكومت و در احزاب و دستجات پيوسته و يا وابسته به مراكز قدرت به چشم مي خورد. اين مناقشات با چشم انداز اوضاع اقتصادي و سياسي جامعه كه حاكي از وخامت و تشديد بحران است بدون ترديد در مجلس دامنه وسيع تري خواهد يافت و به سهم خود درگيري ها و مناظرات سياسي را كه در سطح جامعه وجود دارد، گسترش خواهد داد.

نخستين مجلس شوراي ملي در جمهوري اسلامي، پيش از هر چه سازشگوي آرمان هائي خواهد بود كه حزب جمهوري اسلامي خود را مبشر و منادي آن مي شناسد. اين حقيقت در عين حال سرچشمه تشديد تضادها و بحران سياسي در جامعه خواهد بود و هماهنگي هائي را كه رئيس جمهور و طرفداران پاتمي او خواهان آنند كه بين مجلس و دستگاه هاي اجرائي به وجود آورند، با مشكلات جدی روبرو خواهد كرد.

با اينهمه تركيب مجلس به گونه اي است كه پسر انحصارگري و قدرت طلبي حزب جمهوري اسلامي تا حدودي مي تواند لگام زند و به نظر مي رسد كه شخص رئيس جمهور بر اين جنبه از عملکرد مجلس اميد بسته است. سخنان آيت الله خميني، در ملاقات نمايندگان مجلس با ایشان اساس بر کاهش تشنجات در مجلس و تشويق نمايندگان به وحدت عمل و همكاري با دستگاه هاي اجرائي و شخص رئيس جمهور تاكيد داشته است. آيت الله خميني سراجتاً نقش مخربي را كه مجلس در صورت دست نيافتن به وحدت عمل و هماهنگي با دولت و رئيس جمهور مي تواند داشته باشد، متذکر شد، براي اينكه ببينيم تا چه اندازه اين رهنمود مي تواند صورت تحقق يابد، كافي است به برداشتها و تفسيرهائي بقيه در صفحه ۲

دشمنان مردم خرمن ها را آتش مي زنند!

در صفحه ۶

در اين شماره:

- الجزاير، هجده سال پس از پيروزي بر امپرياليسم فرانسه در صفحه ۱۲
- گرامی باد خاطره مجاهدين شهيد در صفحه ۱۶
- پيام اتحاديه سرزميني روستاهي كرمين صحرانمايه زحمتكشان متفكر ديمورد و وظايف فصل پيداشت محصول در صفحه ۷
- گزارش سوريها را در صفحه ۲
- بافتنای جنگ الروزان از صلح عادلانه در كردستان دفاع كنيم در صفحه ۱۲
- افزايش سطح حداقل دستمزدها يا کاهش قدرت خريسي و واقعي كارگران در صفحه ۱۰
- صحرا: نبوه تا پيروزي كامل در صفحه ۸

بكوشيم تا با استقرار صلح در كردستان وحدت مردم ميهنمان را عليه امپرياليسم امريكا تحكيم بخشيم

نامه سه تن از دختران يك روستای آذربایجان شرقی به سازمان



با درود بی پایان به رفقای سازمان
بر افتخار چریکهای فدائی خلق ایران.
رفقا!

ما سه رفیق دختر از روستای بسیار دور
آذربایجان شرقی این نامه را برای شما
می نویسیم تا بدینوسیله صدای بهمانی
شما تا دوازده ساله را که در کارخانههای
سرد و نفاک قالی می یافتند و حقوق بسیار
ناچیز می گرفتند به گوش همه رزمندگان
جهان برسانیم.

ما به کارخانه نمی رویم ولی در
خانهمان قالیچههای کوچک می بافیم و
می فروشیم. هرچند که وضع زندگی ما
خوب نیست ولی نمی گذاریم خونمان را
سرمایه داران بگیرند.

در روستای ما دختران نمی توانند
بیشتر از ۵ ابتدائی درس بخوانند تازه
آنهم اگر بتوانند. من که این نامه را
می نویسم تا پنجم ابتدائی درس خوانده ام
ولی آن دو رفیق دیگر تا دوم ابتدائی
درس خوانده اند. چون بعد از کلاس ۵
ابتدائی باید ادامه تحصیل را به شهر رفت
ولی ما نمی توانیم برویم ما هر هفته نبرد
دانشآموز را مطالعه می کنیم ما هم آرزو
داشتیم که دانشآموز بهنگام بودیم ولی
حیف که از این آرزو محرومیم.
در خانه یک قالیچه را که در آن آرم

سازمان یافته شده است به شما اهدا
می کنیم. ما این قالی را با پول خودمان که
هر سه گذاشتیم بافتیم البته چون
دسترسی به آرم بزرگ و واضح نداشتیم و
خیلی وارد هم نیستیم، آرم را درست
نتوانستیم ببافیم.

به امید پیروزی کارگران
درود بر فدائیان
پاشاسین فدائی

رفقا! شور انقلابی شما را می ستائیم احساسات پاکي که نسبت به سازمان
زحمتکشان خلقان، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ابراز داشتاید، همه
عناصر انقلابی را خوشحال می سازد.

رشد آگاهی شما و صدها هزار تن از جوانان زحمتکش مهین خود نشانه
آن است که روز نابودی نظام سرمایه داری و رهایی زحمتکشان ایران نزدیک
است، روزی که لبخند پیروزی بر چهره کارگران و زحمتکشان نقش خواهد بست.

پیروز باشید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آرمان مردم و ...

بقیماز صفحه ۱
سخنان ارائه دادماند، توجه کنیم (روزنامه کیهان -
دوشنبه ۵ خردادماه ۱۳۵۹)

آیت الله خامنه ای که در مجلس معارفه نمایندگان با
بی اعتنائی به سخنان رئیس جمهور نخستین واکنشهای
منفی را در سطح هواداران رئیس جمهور برانگیخت.
رهنمودهای آیت الله خمینی را تابعیت گروهها و
جناحهای دیگر از "خط امام" تفسیر کرد و با توجه
به سخنان نماینده اول تهران در نماز جمعه هفته گذشته
که آشکارا بر رقابت طلبی نمایندگان با رئیس جمهور
در اینکه سخنگوی تمام مردم ایران هستند، تکیه داشت
یک نوع نمایش قدرت در رابطه با رئیس جمهور می تواند
به حساب آید.

دکتر سامی سخنان آیت الله خمینی را آرزوهای ایشان
توصیف کرد و تاکید کرد که "برخورد آرا" و عقاید را
ایشان هیچوقت نمی کردند.

حجتی گرمانی عدم تشنج در مجلس را به سیاستی که
حزب جمهوری اسلامی اتخاذ می کند مشروط کرد و گفت:
"در درجه اول حزب جمهوری اسلامی باید به آن توجه
نماید" و با اشاراتی به "خود" گروهی و حزبی اعلام
کرد: "کسی که خودش را در موضع قدرت احساس میکند
اگر بتواند خود را از این موضع خلاص کند، برای دیگران
سرمشق خواهد شد".

دکتر آیت که از رهبران حزب جمهوری اسلامی و از
پیروان آیت الله کاشانی و از وفاداران به حزب زحمتکشان
مظفر بقالی است، گفت "این جمله امام فکر نمی کنم
در باره فراکسیون باشد" وی تاکید کرد که: "خواهانخواه
در مجلس اگر فراکسیون هم نگذاریم یک تقسیم بندی وجود
خواهد داشت ..."

آنچه که از این نمونهها پیداست این است که مجلس
گانون بهران زای دیگری خواهد بود که درسرنوشت سیاسی
جایزه تاثیرات بلاواسطه ای بر جای خواهد گذاشت.

نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران،
تنها در صورتی که در جهت منافع مملوونها مردم ایران
و در جهت آرمان آنان که رهایی از سلطه امپریالیسم
جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاست، گام بردارد،
می تواند مشروعیت توده ای کسب کند و از اعتماد برخوردار
باشد در غیر این صورت سرنوشتی جز شکست و نافرجامی
نخواهد داشت و همه اینها را "توده ها" تعیین خواهند
کرد چه آنان تنها منشا قدرت لایزالی هستند که تاریخ
را با دستهای پرتوان خود می سازند و به هرچیز قدرت
و اعتبار می بخشند.

پاسگاه زاندارمیری زیاران، آیک علیه دهقانان اقدام می کند

و آنها را در ادامه عمل
انقلابی خود مصمم تر نمود.
روستاییان در جواب رئیس
پاسگاه می گفتند:
" ما زمین ها را می کاریم و
تراکتورچی را هم آزاد
می کنیم

بالاخره در نتیجه با فشاری
و پیگیری روستاییان،
زاندارمیری مجبور شد راننده
را آزاد کند.

روستاییان زحمتکش زیاران
که در جریان مبارزات خود به
خوبی شوره وحدت عمل و
همبستگی را مشاهده کرده اند
مصمم هستند که با اتکا به
نیروی خود تا مصادره کامل
زمینها و اعمال کنترل کامل
بر امر کشت و برداشت آنها
پیش روند.

خود به پاسگاه آبیگ می برند
روستاییان در اعتراض به این
عمل زاندارمیری که همواره به
عنوان حافظ منافع زمین -
داران بزرگ عمل کرده است
در حالیکه شعار می دادند:

تراکتورچی زندانی
آزاد باید گردد.

زمین های پایسار
آباد باید گردد.

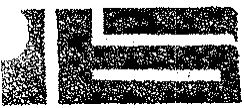
به طرف پاسگاه راهپیمایی
نمودند. رئیس پاسگاه ضمن
تهدید مردم می گفت: " شما
بدون اجازه دولت زمین را
شخم زده اید و ما تراکتورچی
را آزاد نمی کنیم"
حمایت آشکار رئیس پاسگاه
از نماینده "تیمسار"
روستاییان را به خشم آورده

برای حل مسئله پیشقدم نشد
بلکه مراجعات مکرر خود آنها
نیز به سازمانهای دولتی
اثری نبخشید. پس
روستاییان تصمیم گرفتند
خود راسا به حل مسئله
پردازند و بی توجه به
مقامات دولتی، سرمایه داران
و زمین داران بزرگ، زمینها
را مصادره نمایند. بر این
اساس همگی متحد و مصمم
زمینها را تصرف کرده و کار
کشت را آغاز نمودند.

چند روز بعد زاندارمها
در غیاب کشاورزان سر
زمینها می روند و تراکتورهایی
را که مشغول کار بودند، به
همراه یکی از رانندگان آنها
توقیف می کنند و به همراه

زمینها را حق خود می دیدند
از همان نخستین روزهای
پس از قیام به مصادره
انقلابی زمینهای تیمسار
فراری اقدام نمودند. این
عمل انقلابی روستاییان با
عکس العمل زاندارمیری و کمیته
محل روبرو شد. آنها
روستاییان را از این کار باز-
داشتند و وعده دادند که
چنانچه سیر کنند، در آینده
زمینها میان آنها تقسیم
خواهد شد. روستاییان موقتا
از مصادره زمینها دست
کشیدند و منتظر ماندند تا
مقامات جمهوری اسلامی حق
آنها را به رسمیت بشناسند.
لیکن بهش از ۸ ماه گذشت و
در این مدت نه تنها دولت

روستای "زیاران" از توابع
بخش "آبیگ" دارای
زمینهای حاصلخیز زیادی
می باشد. زمینهای این روستا
عمدتا موقوفه آستان قدس
رضوی است که برای بهره -
برداری در اجاره زمین داران
بزرگ و کوچک قرار دارد.
یکی از این زمین داران
تیمسار "اخوان" است که از
زمان رژیم سابق حدود ۷۰۰
هکتار از این زمینها را با
وسایل تولید در اجاره خود
داشته است. بعد از سرنوشتی
رژیم شاه، تیمسار اخوان نیز
فرار کرد و زمینهای کشاورزی
در اختیار و کنترل نماینده
وی قرار گرفت. روستاییان
زحمتکش زیاران که این



در برابر سرکشی و بیادبانه‌های مزدگرا

در شماره گذشته (کتاب ۵۹) مقاله‌ای در باره شوراهاى کارگری داشتیم، تحت عنوان: "آنها که شوراهاى واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است، کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق‌افکنانه دشمنان شود شوند". هرچند این عنوان بسیار بزرگ یک جمله مهم و سازنده از نقش شورا و مبارزه انقلابی آن در وضعیت موجود است، ولی (با توجه به اوضاع تهاجم ضددمکراتیک ماکسیمیت و به ویژه حزب جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی و همچنین تشکل تودم‌های) محور اصلی آن مقاله در آن عنوان خلاصه نمی‌شد چون که ضرورت یک مقاومت اصولی و آگاهانه را در برابر این اوضاع ضد شورائی و ضد کارگری طرح و تأکید می‌کرد. گزارشی که ذیلاً می‌آید نیز در همین رابطه است. دستگیری کارگران مبارز ایران در پشم و پنبه تبریز، مهر و موم کردن دفتر شورائی کارگری ماشین‌سازی و تهدید و اخراج کارکنان آن، تحریک کارگران ناآگاه تراکتورسازی و انبارهای عمومی ملیسه شوراهاى انقلابی و کارگران مبارز آن از مسائل روزهای اخیر است و این گزارش نیز به‌انگیز گسترش توطئه‌های ضد شورائی و ضدکارگری در برخی از کارخانه‌های تبریز (ماشین‌سازی و تراکتورسازی) است که ما به واسطه اهمیت آن خلاصه‌ای از سیر شکل‌گیری این توطئه و تهاجم را از یکماه پیش تاکنون شرح می‌دهیم:

در تاریخ ۵۹/۲/۹ عده‌ای از عناصر معلوم الحال (ضدکارگر) کارخانه ماشین‌سازی با سوء استفاده از عواطف مذهبی گروهی معدود از کارکنان، در محوطه کارخانه دستمای به راه انداختند و مرکز بلندگویی کارخانه را اشغال کردند و بعد بعنوان "کارگران پیرو خط امام" شورائی انقلابی کارخانه را با اتهاماتی نظیر "ضدانقلاب" و... خودسرانه محکوم کردند و خواستار انحلال آن شدند. همان روز بلافاصله نماینده استاندار استانداری، نماینده دادگاه انقلاب اسلامی و امام جمعه تبریز خودشان را به کارخانه رساندند و بدون توجه به کارگران، شورائی کارخانه را منحل اعلام کردند و با هدایت عناصر معلوم الحال فوق‌الذکر، دفتر هیئت اجرائی شورائی کارخانه را مهر و موم کردند و بدین ترتیب شورائی که منتخب اکثریت کارگران است با توطئه مشترک نمایندگان استانداری، دادگاه انقلاب و امام جمعه تبریز و با تحریک کارکنان ناآگاه ساقط می‌شود (کارگران از این اقدام ضدشورائی بعنوان "گودتا" نام می‌برند)

در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ یک روحانی بنام ابوالفضل موسوی (نماینده حزب جمهوری اسلامی در مجلس) به کارخانه می‌آید و طی یک سخنرانی تحریک آمیز صحبت از "پاکسازی" در کارخانه میکند که این امر نشانه گسترده‌تر شدن ابعاد توطئه بود یعنی آنها به انحلال شورا و مهر و موم کردن آن اکتفا نکردند بلکه بطور مشخص‌تر به این توطئه و تهاجم جنبه ضد شورائی - ضدکارگری دادند. چه آنها فکر می‌کردند که اگر این شورا منحل شود، در انتخابات بعدی شورا، باز کارگران، نمایندگان واقعی و مبارزان را انتخاب خواهند کرد و شورا همچنان به مبارزاتش ادامه خواهد داد. از این رو این توطئه ضدشورائی، جنبه ضدکارگری مشخصی یافت و حمله خود را متوجه کارگران انقلابی و آگاه کرد.

در تاریخ ۵۹/۲/۱۳ همین شخص روحانی باردیگر به کارخانه می‌آید و این بار با تهدید و اهانت مستقیم با کارگران مبارز و آگاه، بر امر "پاکسازی" به شیوه مطلوب حزب جمهوری اسلامی تأکید می‌کند.

در ۵۹/۲/۱۵ یکی از طراحان اصلی تهاجم به شورا یعنی سیدحسین موسوی به کارخانه می‌آید و طی یک سخنرانی ضدکارگری بعنوان رئیس دادگاه انقلاب اسلامی اعلام می‌دارد که: "هیئتى بعنوان پاکسازی از فردا در ماشین‌سازی مستقر خواهد شد تا کارخانه را از عناصر ناپاک پاک سازد" بدون آنکه کارگران بدانند که این "هیئت" ناگهان از کجا سبز شده، چه کسی دعوتش کرده و اعضای آن چه کسانی هستند و اگر این هیئت می‌خواهد برای کارخانه تکلیف تعیین کند، پس کارگران و شورا در این میان چه کارمانند!

در روز سه‌شنبه ۵۹/۲/۱۶ شخصی بنام میرزائی که خود را رئیس "هیئت پاکسازی استان" معرفی می‌کرد، به کارخانه آمد و طی یک سخنرانی "برنامه پاکسازی" خود را چنین اعلام کرد: "از روز شنبه صندوقی در ماشین‌سازی گذاشته خواهد شد تا شکایات در آن انداخته شود و به شکایات صندوق از روز سه‌شنبه رسیدگی می‌شود و پاکسازی شروع خواهد شد" کارکنان ماشین‌سازی با وجود آنکه همه خواستار تصفیه کارخانه از عناصر مزدور و ضدکارگر بودند

ولی با بی‌اعتمادی نسبت به "هیئت پاکسازی" و با حالتی بهت‌زده و قیام را دنبال می‌کردند و اکثریتشان قادر به پیش‌بینی نتایج بعدی این "هیئت" نبودند. هرچند در همین روزها کارکنان مبارز ماشین‌سازی، ضمن اعضاء طیارهای بلندی در قسمتهای مختلف کارخانه حمایت فعالانه خود را از شورائی انقلابی کارخانه که منتخب اکثریت کارکنان بود (و به وسیله عناصر غیر مسئول منحل اعلام شده بود) اعلام کردند ولی کوچکترین توجهی از جانب مقامات به اصطلاح مسئول به این امر نشد. به دنبال آن کارکنان مبارز ماشین‌سازی در عین بی‌اعتمادی نسبت به برنامه‌های "هیئت پاکسازی" برای خنثی کردن بهانه - جوئی‌ها و سوء استفاده‌های بعدی "هیئت" شکایات خود را از عناصر مزدور و ضدکارگر کارخانه به صندوق شکایات انداختند. ولی همه این نامه‌ها و شکایات کارکنان نسبتاً بی‌پاسخ ماند بلکه کوچکترین توجهی هم به مفاد آن نشد و در مقابل آن طراحان و مجریان اقدامات ضد دمکراتیک (علیه شوراهاى واقعی کارگران) علیرغم خواست اکثریت کارگران و کارمندان، سیاست توطئه و تهاجم علیه شورا و کارگران را تحت پوشش "پاکسازی" همچنان ادامه دادند.

در روز چهارشنبه ۵۹/۲/۲۱ در پایان وقت کار، از بلندگوهای کارخانه‌های ماشین‌سازی و لیفت‌تراک سازی اعلام کردند که لیست افرادی که مشمول پاکسازی هستند، خوانده می‌شود و اعلام شد که: "این افراد از روز شنبه ۵۹/۲/۲۳ حق آمدن به کارخانه را ندارند." میان بهت و حیرت کارگران و کارمندان اساسی ۴۸ نفر اخراجی خوانده می‌شود. "هیئت پاکسازی" با وقاحت و دغلیکاری، تعدادی از کارکنان انقلابی و شریف را با عده‌ای از عناصر مزدور و ساواکی (همه را باهم) مشمول "پاکسازی" کرد! کارگران و کارمندان که از این تزویر و توطئه به خشم آمده بودند بخاطر پایان یافتن ساعت‌کار و تعطیل کارخانه بی آنکه فرصت یابند عکس‌العمل مناسبی از خود نشان دهند با بهت و حیرت و خشم در این روز محیط کارخانه را ترک کردند. گذشته از مضمون اصلی این به اصطلاح پاکسازی که مبتنی بر تصفیه ضدانقلابی کارگران مبارز بود، نحوه "پاکسازی" عناصر مزدور و ساواکی نیز به شکلی فریبکارانه و عوامفریبانه صورت گرفت مثلاً در میان اساسی اخراجی نام افرادی که مدت‌ها قبل توسط شورائی کارخانه مشمول تصفیه قرار گرفته بودند (اشراقی، سرهنگ رحیمی و...) بود. سرهنگ رحیمی بعد از بهمن‌ماه ۵۷ از تبریز کارگران از کارخانه فرار کرده بود و دیگر به کارخانه برنگشت! مفهوم "پاکسازی" به شیوه مقامات مسئول حاکمه هنگامی ابعاد توطئه‌آمیز و ضدکارگری‌اش را روشن تر نشان می‌دهد که کارگران و کارمندان ماشین‌سازی همواره شاهد بوده‌اند که شورائی انقلابی‌شان از مدت‌ها پیش خود پرچمدار تصفیه انقلابی عناصر مزدور و ضدکارگر وابسته به رژیم گذشته بوده و همواره پیشاهنگ مبارزه قاطعانه با اینگونه عوامل بوده است و اینک می‌بینند که توطئه‌گران ضدکارگر و ضدشورا نه تنها می‌خواهند به شورائی انقلابی کارخانه به‌نجوی ریاکارانه درس "پاکسازی" عناصر مزدور را بدهند بلکه گستاخانه علیه خود شورائی کارخانه و کارگران مبارز و آگاه نیز توطئه "تصفیه" و اخراج را طرح و اجرا می‌نمایند.

کارگران پیرو و آگاه در جریان شکل‌گیری این توطئه قبلاً هشدار داده و اعلام کرده بودند که: "تصفیه انقلابی عناصر ساواکی و خائنین به طبقه کارگر همواره مورد تأیید ما بوده و خواهد بود... ولی امروز عوامل شناخته شده و معلوم‌الحالی که خود مشمول تصفیه انقلابی هستند، بی‌مناک از گسترش مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان قصد دارند با توطئه‌گری و تحت پوشش به اصطلاح پاکسازی کارگران رزمنده و آگاه را تحت بیگرد قرار دهند." و متعاقب اجرای طرح ضدکارگری و ضدشورائی مزبور طی اطلاعیه‌ای تحت این عنوان که: "در شرایط مشخص کنونی، پاکسازی در ماشین‌سازی و تراکتورسازی چگونه باید انجام یابد" برای مقابله اصولی با این توطئه و به منظور تحقق بخشیدن به تصفیه انقلابی پیشنهادات زیر را مطرح کردند:

- ۱- تمام کارکنان کارخانه ماشین‌سازی و تراکتورسازی فعالانه شکایات خود را از عناصر ضدکارگر و حامی سرمایه‌داران در صندوق شکایات بپردازند (تمام شکایات باید با امضا و اسم شاکي همراه باشد اگر شکایاتی بدون اسم و تنها با امضا محفوظ باشد، معتبر نیست)
- ۲- تمام شکایات باید در حضور کارگران و کارمندان در مجمع عمومی خوانده شود.
- ۳- اشخاصی که مورد اتهام قرار گرفتند، در حضور

جمع حق دفاع از خود داشته باشند (باید تربیون در اختیار آنها گذاشته شود)
۴- هیئت پاکسازی باید نماینده واقعی کارکنان و مورد قبول اکثریت کارکنان باشد.
۵- دادگاه به صورت علنی با شرکت کارکنان ماشین‌سازی و تراکتورسازی تشکیل شود.

۶- کارکنان حاضر در مجمع عمومی در مورد منتهین تصمیم نهائی را به صورت رای‌گیری مخفی و با نظارت هیئت پاکسازی پیشنهادی در فوق‌اعلام نمایند. تصمیم اکثریت و رای آنها باید محترم شمرده شود.
با وجود آنکه اکثریت کارکنان خواهان اجرای این طرح بودند، ولی از آنجا که قبول و اجرای این طرح از طرف هیئت تصمیلی به اصطلاح پاکسازی موجب می‌شد که ماهیت طرح‌های ضدشورائی و ضدکارگری آنان بیش از پیش برملا شود. لذا بدون توجه به خواست کارکنان، این هیئت طرح خودسرانه خود را در چهارشنبه ۵۹/۲/۲۱ اعلام کرد.

کارگران مترقی و مبارز در برابر این اقدام اعلام کردند که: "اولاً اعضای هیئت پاکسازی و کسانی که با آنها همکاری می‌کنند باید به کارکنان معرفی گردند. ثانیاً در حضور همه کارگران و کارمندان کم و کیف به اصطلاح پاکسازی ای که تصمیم در ۲/۲۱ اعلام شده دقیقاً مورد بررسی جمع قرار گیرد و افراد شاکي و منتهین نیز در این جمع حضور یافته و مورد اتهام نیز مورد قضاوت همگانی قرار گیرد" ولی توطئه‌کنندگان موفقیت کذائی و غلبه موفقیت‌شان را (در به دست گرفتن اداره کارخانه بر قضاوت اکثریت کارگران ترجیح می‌دهند. کارگران و کارمندان ماشین‌سازی و تراکتورسازی بیش از هر مقام و مرجع دیگری حق تصمیم‌گیری در مورد مسائل و مشکلات کارخانه را دارند. مقامات استانداری، دادگاه انقلاب و نظایر آن ممکن است در حوزه فعالیت‌هایشان مسئول باشند ولی در حوزه فعالیت کارخانه، شورائی کارخانه که منتخب کارکنان کارخانه است مسئول مستقیم است.

انحلال شورا و مهر و موم کردن دفتر آن از جانب عناصر مدخل‌گر و غیرمسئول اقدامی ضدشورائی و ضدکارگری است. ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که نمایندگان شورا مستقیماً به وسیله همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و در صورت لزوم به وسیله همانها نیز عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای را منصوب و یا عزل کند و با به‌جای کارگران تصمیم بگیرد. شورا قبل از همه متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ مقامی حق تجاوز به حریم آن را ندارد. حال آنکه مقامات به اصطلاح مسئول نه تنها شورا را خودسرانه منحل اعلام کرده و دفترش را مهر و موم میکنند، و نه تنها این شورا را قبول ندارند و به رای اکثریت کارگران پایبند نیستند بلکه اساساً حاضر نیستند نظر کارگران را در مورد پاکسازی بدانند و به همین خاطر به این پیشنهاد که مجمع عمومی‌ای تشکیل شود که مسئله پاکسازی و کم و کیف آن را مورد بررسی قرار داده و تصمیم‌گیری کند، وقتی نمی‌گذارند ما منتقدیم که این اقدامات ضدشورائی و ضدکارگری مقامات مسئول حاکمه که به اتکای اقلیتی از کارکنان (اعم از کارکنان مزدور و یا فریب‌خورده و ناآگاه) علیه اکثریت کارکنان و شورائی منتخبشان صورت گرفته و می‌گیرد اقداماتی است در جهت حفظ منافع امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران و طراحان و مجریان اینگونه اقدامات خواسته و یا ناخواسته در خدمت امپریالیسم قرار می‌گیرند و آب به آسیاب ضدانقلاب می‌ریزند.

کارگران و کارمندان مبارز ماشین‌سازی و تراکتورسازی همانگونه که در عمل (بر مبنای آنچه که در این گزارش آمده است) نشان داده‌اند ضمن محکوم کردن اینگونه اقدامات و افشای توطئه‌های ضدشورائی و ضدکارگری دیگر، مقابله اصولی و آگاهانه شان را به اتکای تشکل وسیع و هماهنگشان سازمان می‌دهند یعنی در قدم اول اتکای به مجمع عمومی و برگزاری دمکراتیک آن در جهت هرچه روشن‌تر کردن کم و کیف قضایا (عملکردهای شورا، سابقه مبارزاتی آن و همچنین اتهاماتی که به شورا و کارگران مبارز زده شده است و افشای این توطئه و توطئه‌گران) و مضمون عمده مبارزه در مجمع عمومی، طرد عوامل ضدشورائی و ضد کارگری از کارخانه و زمینهای برای احیاء و اعاده تشکلی موثرتر و مشخص‌تر از مجمع عمومی (یعنی شورا) و در قدم دوم تدارک انتخابات دمکراتیک برای اعاده و احیای شورائی منتخب کارکنان است.

افول امپریالیسم هر روز نشتاب بیشتری می گیرد و حشم انداز پیروزی زحمتکشان جهان نمایان تر می شود

قیام دلاوران مردم کره جنوبی حکومت سرسپرده این کشور را در آستانه سرنگونی قرار داده است.

گسترش مبارزه سیاهان علیه نژادپرستی، امپریالیسم آمریکا را با دشواریهای بیشتری روبرو ساخته است.

رشد فزاینده مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان امپریالیسم و زوال تاریخی آن را هر روز نزدیکتر می کند. اینک در آمریکای مرکزی پس از انقلاب نیکاراگوه، السالوادور و کستاریکا در تلاطم انقلاب به سر می برند. خلقهای سراسر قاره آمریکای لاتین هر روز گام های جدیدی در جهت محو و نابودی سلطه امپریالیسم به پیش می گذارند. در آمریکا اکنون پس از انقلابات سالیان اخیر در کینه بیساقو، موزامبیک و آنگولا و پیروزیهای اخیر انقلاب زیمبابوه سایر خلقهای مبارزات خود را گسترش می بخشند. مبارزات مردم آفریقای جنوبی (آرانتا) آفریقای جنوب غربی (نامیبیا)، صمرا و...

رشد روز افزون می یابد. در خاورمیانه گسترش انقلاب در ایران و افغانستان دایره نفوذ امپریالیسم را تنگتر می کند. خلق لیبی در فلسطین قاطع و مصمم به پیش می رود، ترکیه در لیبی امتحان انقلابی به سر می برد، در عراق، عمان و اکثر کشورهای منطقه حرکتی انقلابی گسترش می یابند. در آسیای جنوب شرقی پس از رهائی کامل خلقهای هندوچین، مبارزه انقلابی در سایر کشورها گسترش می یابد و رشد مبارزات مردم کره جنوبی جدیدترین نمونه این تحولات است.

گسترش دامنه انقلاب در جهان و مبارزات سه نیروی متحد اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و خلقهای تحت سلطه امپریالیسم جهان: سرکردگی امپریالیسم بحران جهان امپریالیستی را شدت بی سابقه ای بخشیده است. نوزم و رکود در اقتصاد امپریالیسم به پدیده های مزمن تبدیل می گردد. بیگاری در این کشورها هر روز ابعاد بیشتری پیدا می کند. جنگ های تجاوزگرانه آمریکا چیزی جز شکست های بی دریغی برایش باقی نگذاشته و در چنین شرایطی است که مبارزات

رشد فزاینده مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان امپریالیسم و زوال تاریخی آن را هر روز نزدیکتر می کند. اینک در آمریکای مرکزی پس از انقلاب نیکاراگوه، السالوادور و کستاریکا در تلاطم انقلاب به سر می برند. خلقهای سراسر قاره آمریکای لاتین هر روز گام های جدیدی در جهت محو و نابودی سلطه امپریالیسم به پیش می گذارند. در آمریکا اکنون پس از انقلابات سالیان اخیر در کینه بیساقو، موزامبیک و آنگولا و پیروزیهای اخیر انقلاب زیمبابوه سایر خلقهای مبارزات خود را گسترش می بخشند. مبارزات مردم آفریقای جنوبی (آرانتا) آفریقای جنوب غربی (نامیبیا)، صمرا و...

گسترش دامنه انقلاب در جهان و مبارزات سه نیروی متحد اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و خلقهای تحت سلطه امپریالیسم جهان: سرکردگی امپریالیسم بحران جهان امپریالیستی را شدت بی سابقه ای بخشیده است. نوزم و رکود در اقتصاد امپریالیسم به پدیده های مزمن تبدیل می گردد. بیگاری در این کشورها هر روز ابعاد بیشتری پیدا می کند. جنگ های تجاوزگرانه آمریکا چیزی جز شکست های بی دریغی برایش باقی نگذاشته و در چنین شرایطی است که مبارزات

رشد فزاینده مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان امپریالیسم و زوال تاریخی آن را هر روز نزدیکتر می کند. اینک در آمریکای مرکزی پس از انقلاب نیکاراگوه، السالوادور و کستاریکا در تلاطم انقلاب به سر می برند. خلقهای سراسر قاره آمریکای لاتین هر روز گام های جدیدی در جهت محو و نابودی سلطه امپریالیسم به پیش می گذارند. در آمریکا اکنون پس از انقلابات سالیان اخیر در کینه بیساقو، موزامبیک و آنگولا و پیروزیهای اخیر انقلاب زیمبابوه سایر خلقهای مبارزات خود را گسترش می بخشند. مبارزات مردم آفریقای جنوبی (آرانتا) آفریقای جنوب غربی (نامیبیا)، صمرا و...

نماید. نزدیک بود که ارتش خلق تحت فشار نیروی مسلح آمریکا ضربه بخورد که در اکتبر ۱۹۵۰ پیش از یک میلیون داوطلبان چینی وارد جنگ شدند. مردم کره به همراه داوطلبان چینی پاسخ دندان شکنی به تجاوزگری آمریکا دادند و آمریکا در اجرای برنامه اش دچار شکست شد. سرانجام در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ آتش بس اعلام شد و این جنگ که به قیمت خون دهها هزارتن تمام شد، متوقف گردید. کره رسماً به دو قسمت تقسیم شد.

اکنون بیش از ۲۵ سال است که کره همچنان به دو قسمت تقسیم شده است. پدران، مادران، فرزندان، زنان و شوهران از یکدیگر جدا شدند. منابع کشور به فرات امپریالیسم رفته و

گسترش دامنه انقلاب در جهان و مبارزات سه نیروی متحد: اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و خلقهای تحت سلطه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، بحران جهان امپریالیستی را شدت بیسابقه ای بخشیده است.

استعمار شدید مردم همچنان ادامه یافته است. در این مدت کره جنوبی به پایگاهی برای تجاوزات نظامی آمریکا به خاک کشورهای دیگر تبدیل شده و ارتش آمریکا هم اکنون بیش از ۴۰ هزار سرباز در خاک کره دارد (تحت عنوان نیروهای صلح سازمان ملل متحد) و علاوه بر آن فرماندهی بخش اعظم نیروهای کره جنوبی مستقیماً با فرماندهان آمریکایی است. آمریکا در این مدت از روی نمونه سازمان سیا سازمان چینی سیای کره را که شبه ساواک است به وجود آورده و قتل و کشتار انقلابیون را ادامه داده است.

جمهوری دمکراتیک خلق کره بارها مسئله وحدت مسالمت آمیز دو بخش کره را مطرح ساخته و همواره در جهت آن کوشیده است. در سال ۱۹۷۲ یک بیانیه مشترک از طرف بخشهای شمال و جنوب منتشر گردید که در آن سه اصل ناظر بر وحدت مجدد کشور به این ترتیب

طرح شده بود:
۱- قبول مسئله وحدت مجدد کشور به شکل مستقل و بدون دخالت هیچ سروری

روزهای آینده، روزهای حساسی در تاریخ مبارزات خلق کره است. امپریالیسم حاضر نیست به هیچ قیمتی از کره دست بکشد و مردم هر دم مصمم تر می شوند که استقلال و آزادی خود را کسب کنند.

مبارزات سیاهان آمریکا یکبار دیگر ماهیت امپریالیسم آمریکا را بطور روشنی در انظار جهانیان قرار داد و سیاست "حقوق بشر" سرمایه داران و امپریالیستها در دفاع از "حقوق" جانان و اوباشان امپریالیسم را رسواتر ساخت.

خود را کسب نمایند.

زحمتکشان سیاه در آمریکا علیه نژادپرستان سرمایه دار

در هفته گذشته ما همچنین شاهد اوج گیری شورشهای سیاهپوستان آمریکا در برخی شهرهای جنوبی این کشور بودیم. محاکمه ۴ پلیس دولت امپریالیستی و نژادپرست آمریکا به اتهام قتل یک جوان سیاه پوست و سپس تیرگی آنها در یک دادگاه مایمی، خشم و نفرت مردم سیاه را برانگیخت و شورشهایی که به مدت چند روز شهر را در خود گرفت به بار آورد. این شورش که به درگیریهای شدید با پلیس و گارد به اصطلاح ملی آمریکا انجامید، تنها نمونه ای بود از حرکات سیاهان برای مبارزه با تمیز نژادی سرمایه داری و در جهت کسب حقوق این مردم محروم. اما همین جرعه ماهیت کره امپریالیسم را بیش از پیش مریبان ساخت و نشان داد که امپریالیسم آمریکا که عامل اصلی فقر و ستم طبقاتی است، مداخل سرخست تمیز نژادی و سایر پدیده های منحط ناپاچه سرمایه داری است.

مبارزات سیاهان آمریکا از سابقه ای بسیار طولانی برخوردار است. مبارزه در جهت لغو بردگی سیاهان در دوران جنگ داخلی آمریکا مبارزه برای احقاق حقوق مدنی سیاهان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و بالاخره مبارزات سیاهان در سالهای ۷۰- ۱۹۶۰ نقاط درخشانی از مبارزات خلقهای علیه امپریالیسم و ستم سرمایه داری می باشد. اوج - گیری مبارزاتی سیاهان در دهه گذشته که منجر به دستاوردهای بسیاری برای آنان شد، سازمان های سیاسی را که در جهت هدایت مبارزات آنان می کوشند، به وجد آورد اما مبارزات این سالها بطور عمده تحت تاثیر گرایشات مسالمت آمیز سازشکارانه مارتن لوتر کینگ و سایر رهبران سیاه قرار داشت. دولت آمریکا که از

انقلابیون است و سنگرهای خیابانی محکم و پا برجاستند. بحران سیاسی در کره اوج بیسابقه ای یافته است. گرایشات انقلابی و سازشکارانه در مقابل هم صف کشیده اند و هر یک سعی دارند رهبری مبارزات را در دست گیرند. کمیته شهروندان کوانگجو (کمیته کنترل بحران) که رهبری اسقف اعظم یون کونگ هی مذاکره با دولت برای خلع سلاح مردم و پایان دادن به بحران را آغاز نموده است. آنها حتی بخشهایی از مردم را نیز خلع سلاح کرده اند و اسلحه ها را به سربازانی که آماده حمله به شهر هستند تحویل داده اند. سعی آنها بر این است که خواستهای مردم را در چهارچوب پذیرش حکومت موجود محدود سازند.

از طرفی نیروهای انقلابی خواستار ادامه مبارزه و سرنگونی حکومت وابسته به امپریالیسم هستند. ما از موقعیت و کم و کیف نیروهای انقلابی اطلاع دقیقی در دست نداریم اما شواهد و قرائن حاکی از آن است که کمیته دانشجویان یکی از هسته های مرکزی هدایت این گرایش است. تظاهرات چند ده هزار نفری در کوانگ جو که با شعار ادامه مبارزه تا به آخر طرح شده و طرح مسئله مبارزه در سنگرها از طرف دانشجویان بهانگر کوششهای این گرایش می باشد.

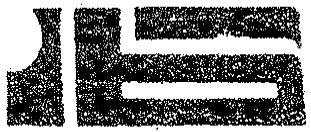
آخرین اخبار حاکی از آن است که مردم کره شمالی تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از مبارزات هموطنانشان در جنوب به راه انداخته اند. امپریالیسم آمریکا که هیچ ابایی از اعلام رسمی وجود سربازانش در کره و احتمال دخالت نظامی وسیع ترش در این کشور ندارد، با عنوان رفع خطر تجاوز کره شمالی به جنوب، ناوگان خود را به آبهای کره فرستاده و منتظر است که در صورت اوج گیری بیشتر بحران مستقیماً به سرکوب بپردازد. روزهای آینده روزهای حساسی در تاریخ مبارزات خلق کره است

امریالیسم حاضر نیست به هیچ قیمتی از کره دست بکشد و مردم هر دم مصمم تر می شوند که استقلال و آزادی

کوانگجو (شهر ۸۰۰ هزار نفری) همچنان در دست مردم است و سلاحهای مصادره شده در دست

رشد فزاینده مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان امپریالیسم و زوال تاریخی آن را هر روز نزدیکتر می کند. اینک در آمریکای مرکزی پس از انقلاب نیکاراگوه، السالوادور و کستاریکا در تلاطم انقلاب به سر می برند. خلقهای سراسر قاره آمریکای لاتین هر روز گام های جدیدی در جهت محو و نابودی سلطه امپریالیسم به پیش می گذارند. در آمریکا اکنون پس از انقلابات سالیان اخیر در کینه بیساقو، موزامبیک و آنگولا و پیروزیهای اخیر انقلاب زیمبابوه سایر خلقهای مبارزات خود را گسترش می بخشند. مبارزات مردم آفریقای جنوبی (آرانتا) آفریقای جنوب غربی (نامیبیا)، صمرا و...

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



اقدام انقلابی زحمتکشان خرم آباد برای حل

مشکل مسکن

مساله مسکن همواره یکی از بزرگترین مشکلات زحمتکشان در سراسر ایران بوده است. فشار ناشی از قیمت‌های سرسام آور زمین کیسود خانه خالی، اجاره بهای سنگین و ... بیش از همه بر دوش زحمتکش‌ترین اقشار سنگینی می‌کند.

زحمتکشان خرم آباد نیز به شدت با این مشکل دست به گریبان هستند، محدودیت اراضی شهر و مهاجرت گسترده روستائیان که به علت اصلاحات ارضی شاه جلاد آواره شهر شده‌اند در چند سال اخیر بر شدت و خامت وضع مسکن بیش از پیش افزوده است. بطوری که هر دو تا سه خانوار کم در آمد مجبورند در یک خانه کوچک زندگی کنند. در این میان عده انگشت شماری زمین‌خوار که قسمت اعظم زمین‌های شهر را در اختیار خود گرفته‌اند نیز با ایجاد بازار سیاه و شهرک سازی، قیمت‌ها را در سطح بسیار بالایی نگاهداشته و از این طریق خون زحمتکشان را هر چه بیشتر می‌مکند.

همزمان با اوجگیری مبارزات مردم در سال ۵۷ هم‌امالت زمین در خرم آباد دچار رکود شد و تا مدتها پس از قیام با آنکه قیمت‌ها به میزان زیادی پائین آمده بود لیکن مردم که امید داشتند جمهوری اسلامی مشکل مسکن را حل کند، از خرید زمین خودداری می‌کردند. دولت به جای آنکه به حل ریشه‌ای مساله بپردازد و از طریق مصادره ساختمان‌های خالی سرمایه‌داران، زمین‌های بزرگ داخل شهرها و در پیش‌گرفتن یک برنامه وسیع خانه سازی، این مساله را به نفع زحمتکشان حل کند تنها به پرداخت وام مسکن اقدام نمود. این امر از یکطرف امیدهای مردم را به اقدامات دولت خیلی زود در هم شکست و به آنها نشان داد که در زمینه مسکن نیز مثل تمام زمینه‌های دیگر از اقدامات انقلابی توسط مقامات حکومت خبری نیست و از طرف دیگر باعث دلگرمی

زحمتکشان خرم آباد با اقدام انقلابی خود نشان دادند که تنها با مبارزه مستقیم خودشان است که باید حقوق خود را از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بگیرند. رشد انقلابی زحمتکشان خرم آباد در جریان تقسیم زمینها، روحیه تعاون و همبستگی‌شان در این جریان چشم‌گیر بود. بطوریکه هیچ خانواری بیش از نیاز خود زمینی را تصرف نکرد و اگر احیانا خانواری قطعه ۴۰۰-۵۰۰ متری را مصادره کرده بود آن را با بقیه زحمتکشان تقسیم می‌کرد. مثلا در روستای جهانگیرآباد که در نزدیکی شهر قرار دارد روستائیان پس از مشورت قرار گذاشتند که برای اینکه به همه خانواده‌ها زمین برسد، هیچکس بیش از ۱۲۰-۱۱۰ متر زمین مصادره نکند و همه نیز اینکار را انجام دادند.

نامه یت کارگر بیکار به نشریه کار

تنها ما زحمتکشان

با تمام وجود به شعار "مرگ بر امپریالیسم" پای بندیم

یکسال و خورده‌ای از قیام مردم ایران بر علیه شاه جنایتکار و اربابانش می‌گذرد هر چه می‌گذرد، زحمتکشان صیبن انتظارشان از اینکه زندگیشان سر و سامانی بگیرد کمتر برآورده شده می‌بینند گرانی، بیکاری و فقر کمر زحمتکشان را دارد می‌شکند بخصوص کمر زحمتکشانی را که بیکار باشند و حتی درآمد خرید همین جنس‌های کم‌باز و گران را نداشته باشند. مسئله بیکاری، فشار گرانی و کمیابی و بی‌خانمانی را به مصیبتی صدچندان بدل می‌کند. از اول قیام تا حالا داریم برای کار به هر دری می‌زنیم ولی دولت یک قدم اساسی برای حل بیکاری برنداشت. هر وقت هم که صدایمان درآمد، به ما گفتند "صدانقلاب" این جور تهمت‌های بیجا را توی دهن مردم ناکاه انداخته‌اند.

چه کسانی این تهمت‌های بیجا را می‌زنند؟ کسانی که این تهمت‌ها را علیه زحمتکشان رواج می‌دهند، می‌خواهند کاری کنند که هیچ اعتراضی بر علیه صدانقلاب واقعی نباشد. مدتی است که علاوه بر تهمت صدانقلاب زدن، یک چیز دیگر هم یاد گرفته‌اند. تا حرف می‌زنی، می‌گویند: "ساکت! شلوغ نکنید! داریم با امپریالیسم مبارزه می‌کنیم!" با امپریالیسم چه جور مبارزه می‌کنند؟ با چه چیزی مبارزه می‌کنند؟ امپریالیسم که در عالم غیب نیست، همین جاست! امپریالیسم یعنی طبقه سرمایه‌دار و زمین‌دار، امپریالیسم یعنی بیکاری و بی‌خانمانی، امپریالیسم یعنی کمیابی و گرانی و ... شما با این چیزها مبارزه می‌کنید؟ با گرانی و کمیابی مبارزه می‌کنید یا با چندتا

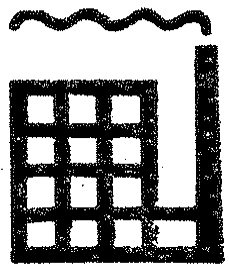
کاسب به اصطلاح گرانفروش؟ با بیکاری مبارزه می‌کنید یا با بیکاران؟ با طبقه سرمایه‌دار و زمین‌دار مبارزه می‌کنید یا با شورا‌های کارگری و شورا‌های دهقانی ترکمن صحرا؟ مبارزه واقعی با امپریالیسم کار ماست چون ما از جان و دل و با تمام وجود می‌خواهیم از شر بیکاری خلاص شویم و از شر گرانی و بی‌خانمانی و فقر خلاص شویم. از ظلم و اجحاف طبقه سرمایه‌دار خلاص شویم. ما قدر این مبارزه را می‌دانیم چون هستی و نیستی ما به این مبارزه بستگی دارد نه شما که فقط خودتان را می‌بینید! تنها ما زحمتکشان با تمام وجود به شعار "مرگ بر امپریالیسم" پای بندیم. صدانقلاب! پای بندیم.

نامه گروهی از کارگران ذوب آهن شاهرود:

طبق دستور حزب جمهوری اسلامی شاهرود، می‌خواهند کارگران آگاه را اخراج کنند

روزنامه محترم کار: ما گروهی از کارگران ذوب آهن شاهرود بخش طرزه می‌باشیم. طبق دستور حزب جمهوری اسلامی شهرستان شاهرود، این قسمت مشمول "پاکسازی" شده و افرادی که از نظر آنها مظنون باشند یعنی در واقع کارگران و زحمتکشان آگاهی که آنها تحت عنوان چپی و یا جنبشی می‌شناسند، بایستی به اصطلاح پاکسازی شده و به جای آنها قرار است افرادی استخدام شوند که این اقدام آنها هم باعث بیکار شدن

عده‌ای از کارگران زحمتکش می‌شود. هم بخاطر آنکه بین کارگران می‌خواهند تفرقه بیاندازند، اقدامی ضد کارگری است. یک عده افراد



انحصار طلب که فقط خودشان را می‌بینند، از طریق این حزب جمهوری می‌خواهند نفوذشان را علیه کارگران به

کار ببرند که حاصلش به نفع طبقه سرمایه‌دار است. با در نظر گرفتن اینکه این اقدامات از طرف افرادی معلوم الحال از طرف این حزب بوده و دولت و مقامات مسئول این حزب در برابر این اقدامات نادرست و توطئه‌های ضد کارگری باید جوابگو باشند و به حرف ما ترتیب اثر بدهند. از شما می‌خواهیم که این مطلب را در روزنامه کار چاپ کنید. به امید پیروزی راهتان که راه زحمتکشان و کارگران است. گروهی از کارگران ذوب آهن (شاهرود)

استقلال - کار - مسکن - آزادی

باند های ضد انقلاب را متلاشی سازیم

باند بختیار - اویسی خرمینها را آتش می زنند

توطئه چینی های پالیزبان سردار جاف، بختیار و... تحت حمایت رژیم عراق هر روز جدی تر و خطرناک تر می گردد. آنها هم اکنون بطور وسیع در مناطق گوران قلعخانی و دشت ذهاب از اطراف کرمانشاه به استخدام مزدور پرداخته و نیروی سازمان یافته و کاملاً مسلحی تدارک دیده اند و بر زمینه احتیاجات مادی و ناآگاهی مردم منطقه دست به تبلیغات وسیعی زده و در مواردی توانسته اند از حمایت مردم ناآگاه برخوردار شوند این جریان ارتجاعی و وابسته می تواند همچون سپاه رزگاری در کردستان به خطر بالقوی برای جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک میهنان تبدیل گردد و ضربات سختی به جنبش وارد آورد. زمینه های چنین اقداماتی از هم اکنون آماده است.

گرفته است و تاکنون انواع اسلحه های امریکائی را از مرز عراق به داخل وارد کرده است. از جمله عملیات خرابکارانه ای که این باند جنایتکار انجام داده است عبارتند از: حمله به موسسات دولتی، دزدی اموال روستائیان و کشتن عده ای از روستائیان که در مقابلشان مقاومت کرده اند، دزدی احشام روستائیان زحمتکش منطقه، گروگان گیری مسافران در جاده ها و غارت اموال آنها، حمله به دکل تلویزیون و مخابرات کرد و قتل یکی از زحمتکشانی که مقاومت کرده بود، حملات مکرر به تاسیسات نفتی "بالاتاق" و "نفت شهر" سرعت ماشینهای شخصی و کرایه، ترور تنی چند از زحمتکشان و انقلابیون منطقه این باند از شبکه ارتباطی و اطلاعاتی مسجعی برخوردار است بطوریکه کوچکترین اخبار اقصی نقاط کشور به دستشان می رسد و این اخبار از طریق عناصری که در موسسات و ادارات و ارتشها آنها همکاری دارند، به دستشان می رسد.

فئودالها و زمین داران بزرگ منطقه از سردمداران گروه های ۱۰ - ۳۰ نفری هستند که توسط باند بختیار اویسی سازمان داده می شوند و اعضاء این گروه ها انقلابیون منطقه را شناسائی میکنند تا از طریق تماس با ضدانقلابیون - شاه دوستها - علیه انقلابیون منطقه وارد عمل شوند.

باند جنایتکار و وابسته بختیار - اویسی با بهره برداری از زمینه نارضایتی ای که توده ها از گرانی، بیکاری و وضعیت نابسامان موجود دارند و با تکیه بر ناآگاهی بخشی از زحمتکشان قصد دارند در نقاط مختلف میهنان برنامه های امپریالیسم را پیش ببرند. نیروهای انقلابی و هواداران سازمان افشاء چهره و برنامه های این جنایتکاران را باید در دستور کار خود قرار دهند و پیگیرانه ماهیت اقدامات این باند مزدور را به ویژه برای زحمتکشان

باند بختیار - اویسی برای پیشبرد مقاصد شوم خود در منطقه کرمانشاه دست به سازماندهی عده ای مزدور که در رژیم سابق به عنوان "دلاور" یا "جوانمرد" به استخدام دولت درآمده بودند، زده اند. در رأس یکی از گروههایی که این باند ضدانقلاب را سازمان داده است، شخصی به اسم قاسم لفضلی رئیس کارگزیی و معاون استانداری سابق کرمانشاه قرار دارد که فردی است بسیار مرتجع و سرسپرده به امپریالیسم. وی با استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و با تکیه بر حمایت امثال ذوالفقاریها - از سرمایه داران معروف منطقه - اوباشان را به کار گرفته و برنامه های حمله به کانونها و تجمعات سازمانهای مترقی و ترور و دستگیری جوانان انقلابی منطقه را طرح ریزی می نماید. بعد از قیام عده ای از ارتشیان مزدوری که از جنگ مردم گریخته بودند به شبکه بختیار پیوسته و فعالیت خود را در این باند شروع کرده اند. این باند همچنین با پرداخت اجرت ۱۲۰۰۰ - ۳۰۰۰۰ ریال عده ای از روستائیان نا آگاه منطقه را به خدمت اهداف ننگین خود

دشمنان مردم خرمینها را آتش می زنند!

توطئه ها و دسائس دشمنان مردم برای به شکست کشاندن مبارزات آنان که در راه استقلال، کار، مسکن و آزادی صورت می گیرد، هر روز دامنه وسیع تری می یابد. از جمله فئودالها و زمین داران بزرگ که در نتیجه مبارزات دهقانان و زحمتکشان روستا منافع خود را از هر طرف در مخاطره می بینند، به کمک باندها و شبکه های جاسوسی امپریالیسم امریکا و بختیار - اویسی - پالیزبان در صداند خرمینهای دهقانان را به آتش کشند.

بمویزه در مناطقی که شوراها دهقانی، زمین های فئودالها و زمین داران بزرگ را مصادره کرده اند، نقشه دشمنان مردم این است که با آتش زدن خرمینها و نسبت دادن آن به کمونیستها از یک سو به بحران اقتصادی دامی زنند و از سوی دیگر انقلابیون را بدنام ساخته و پراکندگی صفوف نیروهای ضد امپریالیست را افزایش دهند و جو بدبینی و افتراق را هر چه بیشتر گردانند. فدائیان خلق اعتقاد دارند جنایتکارانی که خرمینهای دهقانان را به آتش می کشند، باید در دادگاههای صالحه محاکمه و اعدام شوند. باید اسنادی که ارتکاب چنین جنایتی را محرز می سازد، در پیشگاه خلقهای قهرمان ایران عرضه شود تا دوستان و دشمنان مردم شناخته شوند و دشمنان رسوا تر گردند.

ما از همه زحمتکشان و دهقانان سراسر کشور می خواهیم که رهنمودهای "اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا" را در این زمینه مورد توجه قرار داده و راهنمای عمل خود سازند.

س- از افراد مهم کی را می شناسی؟
ج- ارتشید اویسی یا دو نفر از پسرانش، پسرانش لباس کردی می پوشد و خودش لباس فارسی (عنطور کت و شلوار است) و بعد دکتر بختیار هم هست. همه آنها برای ما سخنرانی کردند. من جمعا ۶ نفر "سر" دیده ام (مقصود از "سر" رهبر است) س- سردار جاف هم بود؟
ج- بله او هم آنجاست.
س- کی می روی عراق؟
ج- فردا صبح وقتی تو بیدار شوی، من رفته ام.
س- راستی ماهی چقدر حقوق می گیری؟
ج- ماهی ۱۲۰۰ تومان و هر چه هم گیرمان بیاید (غنایم و مال دزدی) مال خودمان است.
س- اسلحه سنگین هم دارید؟
ج- بله داریم. من خودم ۹ دانه تاند شمرم که بالای همه آنها توپ بود. نمیدانی قیامت است.

س- این تانکها و توپها مال عراق است؟
ج- نه! مال کردهای ساواکی خودمان است. البته عراقیها هم دارند. آنها وضعیتشان از ما مجرب تر است س- وقتی شما به ماموریت می روید، افراد عراقی هم با شما می آیند؟
ج- نه خودمان به سرپرستی سرگروه می رویم.
س- حالا آنها منتظر تو هستند؟
ج- آره من باید بروم و چیزی برایشان بپریم...
* * *
یکی دیگر از این مزدوران می گفت:
"در منطقه "جوارکلاو" عراق در داخل یک شهرکی هستیم و آنجا مثل سربازخانه آسایشگاه داریم. همه گونه وسایل آسایش فراهم و فراوان است. اگر هم غذا کم داشته باشیم از دهاتیها می گیریم و اگر ندهند، خرمینهاشان را آتش می زنیم!"

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



افول امپریالیسم هر روز
شتاب بیشتری میگیرد
.....

دقیقاً از صفحه ۴

به وحشت افتاده بود، برنامه همهجانبه‌ای را تحت عنوان برنامه "گوشتر پرو" در دستور کار سازمان سیا و اف‌بی‌آی قرار داد که به موجب آن با ایجاد نفاق در میان سازمان‌های سیاسی، کشتار رهبران مبارز، دستگیری‌های وسیع و... می‌خواست مبارزات سیاهان را درهم بشکند. کارگزاران سرمایه انحصاری در اجرای این برنامه‌ها بسیاری از رهبران سیاه را به قتل رساندند و با به زندان افکندند. قتل لوترکینگ، فردهامپتون و جرج جکسون از نمونه این جنایات است. کشتن برخی جریان‌ها به مواضع رفرمیستی و انحراف مبارزه از مسیر درست و اصولی از جمله دیگر کارهای شبکه‌های جاسوسی سیا و اف‌بی‌آی بود و ضربات شدیدی بر مبارزات سیاهان وارد کرد اما آنها هرگز دست از مبارزه نکشیدند.

شورش اخیر سیاهان در دهه اخیر یکی از بسی سابقه‌ترین امواج مبارزاتی بود که آمریکا را در خود فرو برد اما عدم رهبری انقلابی و خودانگیخته بودن آن بطور مشهودی به چشم می‌خورد تحت این شرایط امپریالیسم آمریکا سعی دارد سرمایه‌داران "سیاه" و کارگزاران انحصارات را به عنوان رهبران سیاه معرفی نماید و مبارزات آنها را به کنترل خود درآورد. سفر آندروینگ برای فرو نشاندن خشم مردم از این نمونه توطئه‌ها است.

نیروهای انقلابی جهان که طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم را متحدین خود علیه امپریالیسم می‌دانند بی شک از خواسته‌های بحق سیاهان آمریکا دفاع می‌کنند و سیاست نژادپرستانه طبقه سرمایه‌دار آمریکا را قاطعانه محکوم می‌کنند. مبارزات سیاهان آمریکا یکبار دیگر بطور روشنی در انظار جهانیان قرار داد و سیاست حقوق بشر سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها در دفاع از "حقوق" جانان و آوایشان امپریالیسم را رسواتر ساخت

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به :

یازدهمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا

زحمتکشان مبارز ترکمن صحرا!
شوراهای روستائی قهرمان!

با دروهای آتشین، یازدهمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا را که اولین گردهمایی پس از جنگ تحمیلی بهمن ماه گذشته است، به شما و به زحمتکشان سراسر ایران تبریک می‌گوئیم. زحمتکشان قهرمان ترکمن صحرا اتحاد و یکپارچگی، تشکل شورائی و مبارزات قهرمانانه شما در راه مصادره انقلابی زمینهای زمین‌داران بزرگ نقطه درخشانی در تاریخ مبارزات خلق قهرمان کشور ماست. تاکنون خون بسیاری از فرزندان انقلابی شما در جریان جنگ‌های تحمیلی بر زمین ریخته است اما اینک مردم ایران باردیگر شاهد اوج‌گیری مبارزات بحق شما علیه زمین‌داران بزرگ و وابستگان به رژیم گذشته است. شما با مقاومت پیکر و تحمل معائب بیشمار به خوبی نشان دادمايد که هیچ نیروئی قادر به مقابله با اراده خلقی متحد و یکپارچه نیست. بی شک قهرمانی‌هایتان برای خلقهای سراسر ایران درسهای گرانبهائی در بر دارد. در شرایط حساس کنونی سازمان ما ضروری می‌داند بار دیگر به شما زحمتکشان و دهقانان آگاه و انقلابی ترکمن صحرا هشدار دهد که در فصل برداشت محصول،

زمین‌داران بزرگ و عوامل آنها به عناوین مختلف سعی در جنگ‌افروزی و ایجاد تشنج می‌نمایند تا به این طریق مبارزات شما را از مسیر سازنده خود منحرف نمایند. وظیفه شوراهای ترکمن صحراست که با تمام قوا جلوی هرگونه جنگ‌افروزی را بگیرند و با هوشیاری کامل امر برداشت محصول را متعققی نمایند.

اعتقاد ما براین است که در شرایط کنونی حفظ و حراست از محصول که ثمره مبارزه انقلابی و خونبار شماست، گام مهمی در جهت مبارزه با تحریم اقتصادی و تهاجمات نظامی امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی خلقهای میهن ماست و در خدمت تحکیم و تقویت وحدت ضدامپریالیستی همه خلقهای ایران قرار دارد.

با صمیمانه‌ترین درودها و آرزوی برداشت موفقیت‌آمیز اولین کشت شورائی دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا و با تاکید بر همبستگی مبارزاتی زحمتکشان همه ملیتها علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

درود بر شوراهای روستائی قهرمان ترکمن صحرا
مستحکم باد وحدت انقلابی خلقهای ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹

پیام اتحادیه سراسری روستاهای ترکمن صحرا خطاب به همه زحمتکشان منطقه در مورد وظایف فصل برداشت محصول

زحمتکشان و دهقانان ترکمن صحرا!

در شرایط کنونی که حاصل دسترنج و زحمات ما و نتیجه کشت شورائی زمین‌های مصادره شده، آماده است و وضع محصول بسیار عالی است باید با هوشیاری و دقت و با اتحاد و تشکل به گرد شوراها و با همکاری همه جانبه جهت برداشت محصول که در واقع متعلق به خلق قهرمان کشورمان بوده و توسط فرزندان مبارز و انقلابی آنان در ترکمن صحرا کاشت و برداشت می‌شود، بکوشیم به موارد زیر توجه کامل داشته باشیم:

۱- امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی خلق ما با توطئه و دسائس گوناگون از جمله تحریم اقتصادی سعی دارد مردم قهرمان میهن ما را تحت فشار قرار دهد. روی این اصل با تمام امکان و توان خویش باید کوشش نمائیم که محصول کشاورزی امسال بدون حیف و میل و ضایعات با دقت و مراقبت برداشت شده تا ما هم همراه زحمتکشان سراسر کشور مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را پرتوان تر سازیم.

۲- هرگونه درگیری، جنگ‌افروزی و ایجاد مزاحمت برای زحمتکشان و هرگونه تخریب در محصول شدیداً محکوم بوده و کار عوامل امپریالیسم و زمین‌داران بزرگ می‌باشد. از این رو باید هشیارانه جلوی تمامی توطئه‌ها را بگیریم و اجازه ندهیم که عوامل زمین‌داران بزرگ و امپریالیسم محیط را متشنج سازند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. برای این امر باید تمام جوانان روستاها تحت نظر شوراهای

روستائی به نگرانی و حفاظت از محصولات پرداخته و تا خاتمه درو هشیارانه از محصول حفاظت نمایند.

۳- تمام زحمتکشان و اعضای شوراها و اتحادیه‌های روستائی باید با توجه به اتحاد همه زحمتکشان با ملیت‌های مختلف همراه و همگام با هم، ترک، فارس، زابلی، بلوچ و ترکمن دست در دست هم، متحد و یکپارچه با احترام به حقوق یکدیگر محصول خویش را برداشت نموده و اجازه ایجاد نفاق و چنددستگی در بین زحمتکشان را که به ضرر آنها و به نفع زمین‌داران بزرگ و امپریالیست است، ندهند.

۴- محصولات کاشته شده توسط شوراها باید فقط و فقط توسط شوراهای روستائی جمع‌آوری گردیده و طبق ضوابط مورد تأیید مردم، هزینه‌های مربوط به کشت (وام، بذر، کود و...) برداشت و بقیه محصول با نظارت مردم روستا و شورا توزیع و بذر سال آینده کنار گذاشته شده و مازاد آن با نظارت زحمتکشان روستاها فروخته شود.

۵- شوراهای عضو هر اتحادیه با همکاری هم باید تمام امکانات درو را در اختیار یکدیگر قرار داده و با کمک صمیمانه اهالی روستاهای مجاور و با کوششی انقلابی، متحداً در برداشت محصول به یکدیگر یاری رسانند.

پیروز باد مبارزات زحمتکشان و دهقانان
ترکمن صحرا برای دستیابی به
صلح، زمین، آزادی

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم

صحرا:

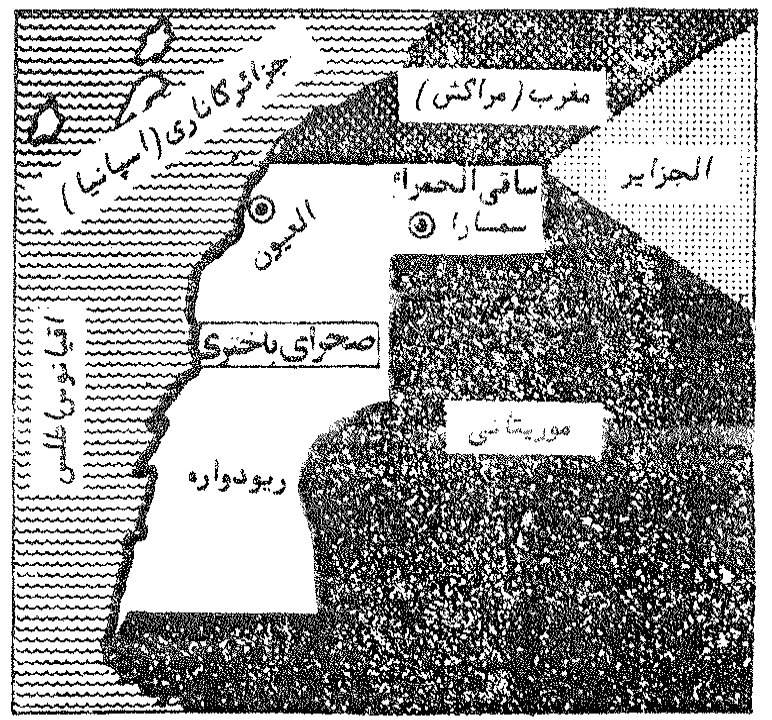
نبرد ناپیروزی کامل

صحرا از دویختن سابقه الحمرا (رودخانه سرخ) و ریودواره یا به عربی وادی الذهب (دره طلا) تشکیل یافته است. تراکم جمعیت در منطقه کم می باشد و جمعیت آن بر اساس سرشماری جبهه پولیساریو نزدیک به ۷۵۰ هزار نفر است. صحرا همواره از دوزاویه مورد توجه استعمارگران و امپریالیستها بوده است: اولاً - در این سرزمین خشک و بیابانی منابع سرشار زیرزمینی و در رأس آنها فسفات به وفور یافت می شود. و ثانياً سواحل وسیع صحرا در کنار اقیانوس اطلس به آن موقعیت ویژه ای بخشیده است. استعمارگران اسپانیا اولین نیروئی بودند که در قرن ۱۴ میلادی به این کشور وارد شدند و از

دیکتاتور اسپانیا که در پی گسترش استخراج منابع زیرزمینی صحرا بود، برای حفظ ذخائر ۵۵ هزار سرباز و ۴۵۰۰ پلیس را که تقریباً برابر یک سوم نیروهای نظامی اسپانیا بود، به صحرا گسیل نماید. در سال ۱۹۷۰ خلق صحرا در اعتراض به حضور اسپانیا در سرزمین خود و جهت دستیابی به استقلال، تظاهرات و اعتصابات گسترده ای به راه انداخت. در این مبارزات ۴۰ نفر از مردم صحرا در نبرد با ارتش متجاوز اسپانیا به شهادت رسیدند و عده زیادی دستگیر شدند برخی از دستگیر شدگان در زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطائی جان باختند. کارگران

۲۰ اردیبهشت (۱۰ مه) مصادف است با سالروز تولد جبهه پولیساریو (جبهه خلق برای آزادی ساقی الحمرا و ریودواره). هشت سال پیش جبهه پولیساریو با اعلام موجودیت خود و دست زدن به نبرد مسلحانه توده های مبارزات خلق صحرا را وارد مرحله نوینی ساخت و تا کنون نتایج درخشانی در مبارزه این خلق برای کسب استقلال و آزادی به دست آورده است. با انگیزه سالروز تولد جبهه، با درود به رزمندگان جبهه پولیساریو و خلق صحرا، نظری بر مبارزات مردم صحرا می افکنیم:

مبارزات توده های صحراوی ابعاد گسترده ای یافت. کمیته های گوناگونی تشکیل یافتند و آموزش سیاسی توده ها به وسیله اعضای جبهه آغاز گردید. توده ها مشکل می شدند، مسائل اساسی انقلاب را فرا می گرفتند و با مواضع سیاسی جبهه آشنا می شدند. ده روز بعد از اعلام موجودیت رسمی جبهه، نبرد مسلحانه برای آزادی کامل صحرا آغاز گردید و با حمایت وسیع و شرکت توده های خلق ابعاد گسترده و سعی به خود گرفت و ضربات پی در پی خود را بر دشمنان انقلاب وارد نمود مناطق مختلفی یکی پس از دیگری تحت کنترل جبهه در می آمدند و فضای تنفس استعمارگران هر



آن به بعد متناوباً در آنجا به سر می بردند. در سال ۱۸۸۱ که استعمارگران برای گسترش مناطق تحت نفوذ خود کوشش می کردند. اسپانیا نیروهای خود را در صحرا پیاده کرد. سه سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۴ کنفرانس برلین که برای رسمیت دادن به تقسیم جهان به مناطق تحت نفوذ استعمارگران تشکیل یافته قسمت شمالی صحرا را "متعلق" به اسپانیا دانست و سرانجام در سال ۱۹۲۰ پس از مذاکراتی که بین فرانسه و اسپانیا انجام شد، تمام خاک صحرا به اسپانیا واگذار گردید. تا سال ۱۹۴۵ مبارزات پراکنده ای علیه نیروهای اسپانیا به وسیله مردم صحرا جریان داشت. اسپانیا در فاصله سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ به منابع سرشاری از پتاسیم، مس، آهن و مهمتر از همه فسفات دست یافت. استخراج فسفات در این سالها آغاز گردید که علاوه بر اسپانیا، آلمان، آمریکا و فرانسه بطور مستقیم و غیر مستقیم سهمی از آن را دریافت می کردند. اوج گیری مبارزات خلقهای ستمدیده آفریقا برای رسیدن به آزادی و استقلال باعث شد که فرانکو

صحرا که با تظاهرات اعلام همبستگی نموده بودند، از معادن استخراج شدند. افراد نظامی بومی که توسط اسپانیا مسلح شده بودند خلع سلاح گردیدند و با گسترش یافتن دامنه مبارزات جنبش خلق صحرا مرحله نوینی از حیات خود را آغاز نمود. گسترش دامنه مبارزات خلق صحرا در سالهای ۷۳-۱۹۷۰ سرانجام به نقطه عطف تشکیل جبهه پولیساریو و آغاز نبرد مسلحانه رهائی بخش رسید. جبهه پولیساریو به وسیله کادرهای بالای جنبش که در نبرد با استعمارگران اسپانیا آبدیده شده بودند و برخی از آنها از اعضای سازمان "جنبش برای آزادی صحرا" (MLA) بودند، در سال ۱۹۷۳ پایه گذاری شد. جبهه در ۲۰ اردیبهشت (۱۰ مه) سال ۱۹۷۳ رسماً با شعار حق تعیین سرنوشت، استقلال صحرا و ساختمان یک سرزمین مستقل با زیربنای سوسیالیستی اعلام موجودیت نمود و به سرعت حمایت مردم صحرا را در سراسر کشور به خود جلب نمود. با تشکیل جبهه پولیساریو سازماندهی

روز تنگتر و تنگتر می شد. در نتیجه مبارزات دلاورانه خلق صحرا و گسترش ابعاد آن در منطقه و طرح خواستهای برحق مردم صحرا در جهان سرانجام در سال ۱۹۷۵ کمیسیونی از طرف سازمان ملل متحد به صحرا رفت. هیئت اعزامی حقانیت جبهه را مورد تأکید قرار داد اما اسپانیا حاضر نبود که به هیچ قیمتی صحرا را ترک نماید. در نوامبر همان سال موافقتنامه سه جانبه ای بین موریتانی مراکش و اسپانیا با وساطت آمریکا امضاء گردید که به موجب آن صحرا بین این سه کشور تقسیم می گردید. در همین سال سلطان حسن پادشاه مراکش با فریب برخی از توده های مراکشی، راهپیمائی تحت عنوان "رژه سبز" به طرف صحرا ترتیب داد که هدف آن از یک طرف دستیابی به پوششی مناسب برای مداخله نظامی در صحرا و از طرف دیگر فشار وارد کردن به اسپانیا برای واگذاری صحرا به مراکش بود. این راهپیمائی مورد حمایت فعال امپریالیسم آمریکا قرار گرفت. دولت اسپانیا

بقیه در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

صحرا:

نبرد تا پیروزی...

بقیه از صفحه ۸

کارگران با هوشیاری، تلاش اداره کار را
برای منلاشی ساختن شورا ختنی ساختند

چندی پیش بخشنامه‌ای از طرف اداره کار اراک در تابلوی اعلانات کارخانه هیکو نصب شد که در آن از کارگران دعوت شده بود که نماینده‌شان را جهت معرفی به اداره کار انتخاب کنند. اداره کار با وجود آنکه اطلاع داشت که کارگران هیکو دارای شورا هستند و نمایندگانشان را نیز خودشان انتخاب کرده‌اند و تنها این شورا را نماینده واقعی خود می‌شناسند، علیرغم آن با صدور این بخشنامه عملاً سعی نمود تا هیچگونه رسمیتی برای این شورا قائل نشده و شورا را نماینده رسمی کارگران ندانند. این بخشنامه که تاریخ ۵۹/۲/۱۷ را برای تجمع کارگران و بحث جهت انتخاب نماینده تعیین کرده بود، مورد استقبال اکثریت کارگران قرار نگرفت و آن عده از کارگران نیز که در جلسه حاضر شده بودند، طی گفتگویی با نماینده اداره کار ضمن اعلام پشتیبانی‌شان از شورا و نمایندگانشان سیاست‌های ضدشورائی اداره کار را افشاء نموده و بخشنامه اداره کار را مردود دانستند. در اینجا قسمتی از گفتگوهائی را که در این جلسه بین کارگران و نماینده اداره کار صورت گرفت، می‌آوریم. این گفتگو قبل از هر چیز نمایانگر دفاع آگاهانه کارگران از شورايشان است در مقابل توطئه‌هائی که از بالا جهت از هم پاشاندن اینگونه تشکله‌ها در جریان است. یکی از کارگران گفت:

" ما می‌دانیم که انتخاب نماینده برای معرفی به اداره کار مساویست با نابودی شورا"
کارگران در اعتراض به این قبیل اقداماتی که وزارت کار در مقابل کارگران می‌کند، از نماینده اداره کار سؤال می‌کردند که:

" چرا اداره کار تلاش می‌کند شورا را به عنوان نماینده کارگران به رسمیت نشناسد؟ معلوم می‌شود که دولت اراده و خواست کارگران را که طی انقلاب تجلی کرده، یعنی شورا را نادیده می‌گیرد و سعی می‌کند در برابرش کارشکنی کند. ما اینطور می‌فهمیم که دولت با این اعمال خودش می‌خواهد به کارگران بفهماند که باید دست از شورا بردارند و اینقدر شورا شورا نکنند..."

نماینده اداره کار که در مقابل اعتراضات منطقی کارگران درمانده بود، گفت:

" ما طبق قوانین موجود رفتار می‌کنیم. قوانین موجود اجازه چنین کاری را نمی‌دهد."
کارگران گفتند:

" یکسال و سه ماه است از سرنوشتی شاه می‌گذرد ولی هنوز که هنوز است وزارت کار شورمان با ما طبق قوانین رژیم گذشته رفتار می‌کند."
یکی از کارگران گفت:

" شوراها برای این تشکیل شدند که زیر بار قوانین گذشته نروند. پس انقلاب برای چه شد؟ در پایان کارگران به نماینده اداره کار گفتند:

" ما به نماینده‌ای که شما می‌خواهید، احتیاج نداریم. ما شورا داریم و نماینده جدید نمی‌خواهیم"

و بدین ترتیب تلاش اداره کار علیه شورا و تشکل کارگران در برابر هشیاری و اتحاد یکپارچه کارگران با شکست مواجه شد.

می‌توان به امپریالیستهای اروپا و ژاپن متکی شد یا کودن هستند و این مسئله را درک نمی‌کنند و یا آگاهانه می‌خواهند دست امپریالیسم آمریکا را از آستین باران اروپائی و ژاپنی‌اش در غارت و استثمار مردم ما باز بگذارند ما در بالا به اتحاد و تبانی و توطئه‌گری‌های امپریالیسم آمریکا، فرانسه و... علیه مبارزات خلق صحرا اشاره کردیم. نکات زیر ابعاد دیگری از مسئله را روشن می‌کند.

امپریالیسم آمریکا سالهاست که از طریق نوکر دست‌نشانده خود سلطان حسن و قرار دادن سلاح و مهمات در اختیار او در سرکوب خلق صحرا شرکت می‌کند و سعی دارد سلطان حسن را به شاهی برای منطقه تبدیل نماید. علیرغم آنکه برای حفظ ظاهر موافقتنامه‌ای هم امضاء کرده‌اند که طبق آن استفاده از سلاحهای آمریکائی در جنگ با رزمندگان صحرا "ممنوع" اعلام شده است، اما نیازی به توضیح ندارد که از اینگونه "موافقت" ها برای تحمیل افکار عمومی بارها امضاء شده است. مطابق آمار رسمی دولت آمریکا به پیشنهاد کارتر فروش اسلحه به مراکش از ۵۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۱۰۵ میلیون دلار در سال جاری خواهد رسید.

از جانب دیگر امپریالیسم فرانسه سالها سازماندهی نظامی ارتش مراکش را برعهده داشته است و علاوه بر غارت و استثمار خلق ستدیده و زحمتکش مراکش بیشترین تسلیحات را برای سرکوب مبارزات مردم صحرا در اختیار دولت مراکش قرار داده است. در عین حال امپریالیستها سعی داشته‌اند از طریق سایر دست‌نشاندهگان خود در منطقه چون پادشاه عربستان، اردن و در گذشته از طریق رژیم شاه به کمک رژیم وابسته و ارتش مراکش بشتابند. امپریالیستها در مقابل خلقها متحدند و خلقهای جهان نیز در مقابل امپریالیستها چاره‌ای جز اتحاد ندارند.

امروز خلق صحرا بیش از پیش به پیروزی نزدیک می‌شود. مردم صحرا تحت رهبری جبهه پولیساریو برآنند که پوزه متجاوزان را بر خاک مالند و درفش آزادی و استقلال را در سرزمین خود به اهتزاز درآورند. امروز مردم صحرا برآنند که یکبار دیگر این حکم تاریخی را که خلق و فقط خلق است که تاریخ را می‌سازد به اثبات رسانند و امروز جمهوری دمکراتیک عربی صحرا که از جانب قریب ۳۴ کشور و منجمله عده‌ای از کشورهای سوسیالیستی به رسمیت شناخته می‌شود، در پی آن است که با به کف آوردن آزادی و استقلال به هدف اصلی خود که "یک جامعه سوسیالیستی با شرکت توده‌های تحت ستم است" دست یازد.

پیروزی از آن خلقهاست

سرنجام در مقابل مراکش و موریتانی (که از سوی آمریکا و فرانسه حمایت می‌شدند) عقب‌نشست و صحرا را ترک نمود. صحرای استعمارزده به مراکش و موریتانی سپرده شد و از آن پس ارتشهای مراکش و موریتانی به کمک فانتوم‌های آمریکائی و جاکوارهای فرانسوی صحرا را مورد یورش قرار دادند تا مردم صحرا را وادار به تسلیم نمایند. اما خلق صحرا مبارزات خود را تحت رهبری جبهه پولیساریو همچنان ادامه داد و سرنجام در سال ۱۹۷۶ هنگامی که جنبش موقعیت برتری نسبت به دشمن کسب نموده و کنترل مناطق بسیاری را در دست داشت، خلق صحرا و جبهه، تشکیل جمهوری دمکراتیک عربی صحرا را اعلام نمودند.

در این سال کنگره سوم جبهه برگزار گردید و جبهه موظف گردید راه را برای استقرار و تداوم نظام جمهوری دمکراتیک و تحقق سوسیالیسم هموار نماید. در قطعنامه این کنگره هدف خلق صحرا مبارزه خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و محور استثمار اعلام گردیده و به مسائلی از قبیل: توزیع عادلانه درآمدهای کشور، پایان دادن به بهره‌کشی به هر شکل، مسکن برای همه، بهداشت رایگان برای همه و... اشاره شده است.

ادامه مبارزات خلق صحرا و گسترش جنگ فرسایشی تأثیرات عظیمی در شدت یافتن بحران و نارضایتی در کشورهای موریتانی و مراکش برجای گذاشت. در سال ۱۹۷۸ در موریتانی یک کودتا به وقوع پیوست و متعاقب آن جبهه پولیساریو با توجه به موقعیت دولت موریتانی و تحلیل آن به این دولت اعلام آتش بس داد و موریتانی با آن موافقت نمود. به زودی سربازان موریتانی جبهه جنگ را ترک کردند و مبارزات خلق صحرا به رهبری جبهه علیه نیروهای مراکش گسترش یافت. با وجود آنکه مراکش بیش از ۴۰ هزار سرباز به صحرا گسیل داشته و علیرغم آنکه ۴۰ درصد بودجه ملی این کشور صرف نیروهای نظامی و یا بهتر بگوئیم صرف مخارج سرکوب خلق صحرا می‌گردد رزمندگان جبهه توانسته‌اند همچنان کنترل قسمت اعظم خاک صحرا را در اختیار خود گیرند و به موفقیت‌های شایان توجهی نیز نایل آیند.

مبارزات مردم صحرا یکبار دیگر ماهیت امپریالیستها را به وضوح در مقابل مردم سراسر جهان نشان می‌دهد. همکاری، کمک و توطئه‌چینی مشترک امپریالیستهای اروپائی و آمریکا علیه خلق دلاور صحرا یکبار دیگر نشان می‌دهد که امپریالیستها همگی دشمنان خلقها هستند و بین آنها ماهیتا تفاوتی وجود ندارد و اختلافات آنها در سرکوب مبارزات خلقها به اتحادی ریشه‌ای بدل می‌شود. آن کسانی که تبلیغ می‌کنند که برای مبارزه با آمریکا

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

افزایش سطح حداقل دستمزدها یا کاهش قدرت خرید واقعی کارگران

افراد یک خانوار کارگری را حداکثر ۴ نفر محاسبه کرده، حال آنکه کارگران اغلب خانواده‌های پرآلایی دارند و علاوه بر آن معمولاً از افراد پسر و از کارافزاده خانواده (پدر و مادر و...) نیز نگهداری می‌کنند. هزینه‌های "کارشناسان" برای اجاره مسکن یک خانوار کاری تعیین کرده‌اند براساس تخمین‌های ذهنی و غیرواقعی است.

مثلاً هزینه مسکن (دو اتاق با یک آشپزخانه) ماهیانه ۴۵۰ تومان محاسبه و تعیین شده‌است و همین محاسبات و تخمین‌ها در مورد هزینه‌های مربوط به مواد خوراکی و پوشاک (گوشت و برنج و لباس و...) نیز آمده‌است که نشان می‌دهد وزارت کار نه تنها با مشکلات موجود زندگی کارگران بیگانه است بلکه از آن مهم‌تر رسالتی جز رنگ و لعاب دادن همان ضوابط ضدکارگری گذشته را در مورد تعیین حداقل دستمزد کارگران برای خود نمی‌شناسد.

۴- تعیین سطح حداقل دستمزد کارگران همانند طرح طبقه‌بندی مشاغل، طرح قانون تامین اجتماعی و قانون کار و... مادی که بر اطاقهای در بسته و دور از چشم تشکیلات کارگری و نمایندگان آگاه آن طرح و تصویب می‌شود، نمی‌تواند چیزی بیش از این باشد!

شرکت فعالانه تشکیلات کارگری در امر طرح و تدوین قوانین و مقررات مربوط به کارگران در این زمینه تنها رهشگای انقلابی و موثر خواهد بود. نمایندگان آگاه و واقعی تشکیلات کارگری در رابطه با تعیین سطح حداقل دستمزدها اولاً همواره خواهان مبارزه انقلابی با گرانی، کمیابی و تورم روز افزون بوده و هستند و ثانیاً در شرایط توری می‌موجود برای مقابله با کاهش قدرت خرید ناگزیر بر افزایش سطح دستمزدها متناسب با نرخ روز افزون تورم کالاهای مورد نیاز عامه تاکید داشته و دارند.

کارگران ۲۴٪ کمتر از سال قبل باید محاسبه‌گردند!! این چنین استدلالاتی ملاک تعیین حداقل مزد کارگران قرار گرفته است این به اصطلاح کارشناسان بخشنامه‌های دولتی و دستورالعمل‌هایی را که در برخی موارد تنها روی کاغذ هم باقی مانده‌اند، مبنای تعیین هزینه‌ها قرار می‌دهند

اختلاف درآمدها (بین کارگران و مدیران) افزایش می‌یابد. این اختلاف قدرت خرید در مقیاس وسیع‌تری بین زحمتکشان و سرمایه‌داران (که طی یکسال گذشته متجاوز از ۵۰٪ به قیمت کالاهایشان افزوده‌اند) گسترش یافته است. ۳- ضوابطی که وزارت کار برای تعیین سطح حداقل

نیست. از طرفی بدون افزایش واقعی سطح حداقل دستمزدها نمی‌شود از حذف "مزایا" (در حال حاضر) سخن گفت. آنچه که در طرح تصویب شده وزارت کار در مورد افزایش سطح دستمزدها آمده است کاهش برخی از "مزایا"ست بدون آنکه در مقابل آن سطح دستمزدها بطور واقعی افزایش یافته باشد! مثلاً هزینه مسکن در برخی واحدها تا حداکثر ۶۰۰ تومان به کارگران پرداخت می‌شد (معمولاً بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ تومان) ولی بر اساس طرح مصوبه جدید حداکثر هزینه مسکن ۴۰۰ تومان تعیین شده‌است و اینگونه کاهش میزان "مزایای" کارگری بدون افزایش واقعی حقوق به نفع سرمایه‌دار و به زیان کارگران است.

۲- افزایش هزینه زندگی طی یکسال گذشته با افزایش (۶۸٪ ریال) دستمزد کارگران هیچگونه تناسبی ندارد و قابل مقایسه نیست. گرانی سرسام‌آور اجناس مصرفی و مایحتاج زحمتکشان (گوشت، نان، روغن، تخم مرغ و...) نشان می‌دهد که نه تنها دستمزد کارگران نسبت به سال گذشته افزایش نیافته بلکه شدیداً تقلیل یافته است. گزارش بانک مرکزی حاکی از آن است که در اسفند ماه گذشته مواد خوراکی حداقل ۲۲٪ افزایش قیمت داشته است و همچنین در مورد برخی از کالاها این افزایش قیمت‌ها تنها ۱۰۰٪ بوده‌است حال آنکه سطح دستمزد کارگران طی یکسال اخیر تنها ۱۲٪ افزایش یافته است. با یک محاسبه ساده روشن می‌شود که سطح واقعی حقوق کارگران (قدرت خریدشان) طی یکسال گذشته بیش از ۳۰٪ کاهش یافته است. وزارت کار این کاهش قدرت خرید کارگران را در شرایطی به تصویب می‌رساند که محدودیت برای حداکثر حقوق مدیران و کارمندان عالی‌رتبه که ۲۵ هزار تومان بود) برداشته می‌شود و

اخیراً وزارت کار طرح جدید افزایش حداقل دستمزد کارگران را به تصویب رسانده که بر اساس آن سطح حداقل دستمزد کارگران از ۵۶۷ ریال به ۶۳۵ (یعنی ۶۸ ریال یا ۱۲٪ در سال) افزایش یافته است. مطابق قوانین کار بطور کلی باید هر سال سطح حداقل دستمزدها متناسب با تغییر سطح هزینه‌های زندگی مورد تجدید نظر قرار گیرد. افزایش سالانه ۱۲٪ دستمزد کارگران نیز در این رابطه است. در اینجا لازم می‌دانیم به چند نکته درباره این افزایش سطح حداقل دستمزد و همچنین ضوابط و معیارهای محاسبه آن و تاثیر آن که در قدرت خرید کارگران به جای گذاشته و می‌گذارد، اشاره کنیم:

۱- معمولاً آنچه که در تعیین سطح حداقل دستمزدها بیش از هر چیز اهمیت دارد، محاسبه و تعیین یک پایه دستمزدها متناسب با شاخص‌های واقعی هزینه زندگی است و این امر مستلزم آن است که تناسبی بین ارزش کاری که کارگر عرضه می‌کند با مزدی که دریافت می‌دارد وجود داشته باشد (که این تناسب در جامعه سرمایه‌داری اساساً موجود نیست) در این رابطه چنانچه هزینه‌های عمومی و حداقل دستمزد متناسب با یکدیگر تعیین شوند دیگر مسئله "مزایا" و "کمک هزینه‌ها" و "سود ویژه" و نظایر آن مفهومی پیدا نمی‌کند چون همه این به اصطلاح مزایا در واقع خود جزئی از مزد کارگران است که به آنها پرداخت نشده و سرمایه‌دار سعی می‌کند آن را به عنوان یک پرداختی اضافی (به کارگران) جلوه دهد. از این رو کارگران باید اساس مبارزه اقتصادی برای افزایش سطح دستمزدها را نه بر مبنای افزایش "مزایا" بلکه بر مبنای افزایش پایه واقعی دستمزدها و حذف به اصطلاح مزایا قرار دهند و این امر البته در کوتاه مدت عملی

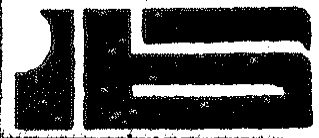
گرانی سرسام آور اجناس مصرفی و مایحتاج زحمتکشان (گوشت، نان، روغن، تخم مرغ و...) به معنی آن است که دستمزد واقعی کارگران شدیداً تقلیل یافته است.

کارگران باید اساس مبارزه اقتصادی برای افزایش سطح دستمزدها را نه بر مبنای افزایش "مزایا" بلکه بر مبنای افزایش پایه واقعی دستمزدها قرار دهند.

نه هزینه‌های واقعی و کم‌شکنی را که در زندگی روزمره بر زحمتکشان تحمیل می‌شود. حال آنکه هزینه مسکن نه تنها با "دستور پارسال دولت" کاهش نیافت و اجاره‌خانه ارزان نشد بلکه برعکس هم اجاره گرانتر شد و هم خانه کمیاب‌تر و مسئله مسکن اکنون یکی از مشکلات جدی و مبرم زحمتکشان است از دیگر ضوابطی که وزارت کار برای تعیین حداقل دستمزدها قائل شده این است که مزایای مربوط به خانوارهای کارگری (حق اولاد و...) در حداقل ممکن ارزیابی شده است تعداد

دستمزدها در نظر گرفته است مبتنی بر ساختن پرداخته‌های ذهنی همان "کارشناسانی" است که طرح‌های ضدکارگری‌ای از قبیل طرح قانون تامین اجتماعی و طرح طبقه‌بندی مشاغل و... را نوشته‌اند. کارشناسان وزارت کار هنگام تعیین میزان حق مسکن کارگران اعلام کردند که "چون دولت در پائیز سال گذشته دستور داده اجاره مسکن ۲۰٪ کاهش باید و از آنجا که دولت بهای آب و برق را متحد نصاب مبنی (مصرف ۱ متر مکعب آب در ماه) دریافت نمی‌کند، پس در سال آینده حق مسکن

پروان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



اعتیاد زائیده نظام طبقاتی است

در محلات فقیر نشین شهرهای میهنمان اغلب مردمی را می بینیم که در اثر اعتیاد به مواد مخدر قوای فکری و جسمی شان را از دست داده و در بدترین وضعیت اجتماعی بسر می برند. اینها اکثراً زحمتکشانی هستند که قربانی سطام و آزادی های طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیسم جهانی شده اند. اعتیاد در محلات آستان نشین شهر نیز به گونه ای دیگر وجود دارد. ثروتمندان که از سر تفنن معتاد می شوند، غالباً موادی مثل ال-اس-دی و هروئین مصرف می کنند اما چون همراه مصرف این مواد بهترین و مفوی ترین غذاها را نیز می خورند و در شرایط بسیار خوبی از نظر رفاهی زندگی می کنند، لذا قوای جسمی شان دورتر از معادان فقیر تحلیل می شود.

از تولید و توزیع مواد مخدر حمایت می کنند بلکه خود در این زمینه سرمایه گذاری می نمایند از جمله در داخل میهنمان دربار شاه و خانواده اش در رأس شبکه های قاچاق قرار داشتند. غلامرضا و اشرف پهلوی بزرگترین قمارخانه ها را در ایران تأسیس کرده بودند و بزرگترین شبکه های قاچاق و فحشا متعلق به آنها بود. آنان در محدود و اینگونه سرمایه - گذاری های خود همپالکی ها شان را قاپتی

خواست و اقدام شخصی است نه اجتماعی. پرواضح است که شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه است که شخصیت افراد آن جامعه را شکل می دهد. اعتیاد مثل هر عادت مسموم دیگری اکتسابی است نه فطری و به این جهت هم هست که می تواند با نابود شدن علت به وجود آید و مانند بعضی نظام طبقاتی و مناسبات سرمایه داری از بین برود. بقول یک معتاد که می گفت: اگر هروئین در دنیا وجود نداشته باشد و

در چنین جوامعی حتی کمبود امکانات بهداشتی و درمانی زمینه های است بر اعتیاد. نمونه های زیادی از معتادین وجود دارند که در اثر گرفتاری به دردهای مزمن و علاج ناپذیر بودن دردهایشان در اثر کمبود پزشک، دارو و امکانات پزشکی، جهت تسکین، به مواد مخدر روی آورده و به تدریج درجه اعتیادشان بالا می رود.

رفتن کامل اعتیاد را مشروط به نابودی نظام سرمایه داری و از میان برداشته شدن جامعه طبقاتی می دانیم. معتقدیم که در شرایط کنونی جامعه مان نیز که مناسبات سرمایه داری از بین نرفته است باید راههایی برای پیشگیری از اشاعه و گسترش اعتیاد و تولید مواد مخدر به کار بست. حاکمیت کنونی با وجود تلاشی که برای محدود کردن دامنه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر دارد، به دلیل نداشتن برنامه ای اصولی و علمی در مبارزه با اعتیاد نتوانسته است کار چندانی از پیش ببرد. هم اکنون هر گرم هروئین از ۱۲۰ تومان به ۲۰ تومان تقلیل یافته است و این در شرایطی است که قیمت نان و سایر نیازمندی های اولیه زندگی چندبرابر گران تر شده است. باند های مسلح قاچاق همچنان به خرید و فروش مواد مخدر مشغولند و

در عصر امپریالیسم تمام آنچه که انسانها را به تباهی می کشاند، در وجود مناسبات تولیدی سرمایه داری، وجود طبقات، وجود بهره کشی و سوداندوزی عذمای خلاصه می شود و به همین دلیل هم راه حل اساسی اعتیاد و سایر اشکال انحطاط و تباهی، نابودی چنین سیستمی و جایگزینی سیستمی به جای آن است که در آن اثری از طبقات، بهره کشی و سوداندوزی نباشد.

این روزها رادیو - تلویزیون و مطبوعات در مورد اعتیاد و اثرات مخرب آن بسیار سخن گفتند اما از علت اصلی اعتیاد که یک بیماری اجتماعی زائیده نظام طبقاتی است، نگری بهمان نیارند. مثلاً نمی گویند که چگونه ریشه اعتیاد به نظام سرمایه داری برمی گردد که توان همچیز بر مدار سود استوار است این سیستم به بیماری اجتماعی در جامعه سرمایه داری و بخصوص در عصر امپریالیسم به اوج خود می رسد. در عصر امپریالیسم انحصارات بزرگ صنعتی و مالی در رشته تولید مواد مخدر سرمایه گذاری می کنند و با به وجود آوردن شبکه های بین المللی تولید و توزیع و قاچاق مواد مخدر، مانع سوداندوزی خود را گسترش می دهند. غالباً یکی از این شبکه ها است که توسط سرمایه داران بزرگ ایرانی به وجود آمد و اینگتت کنترل سیاسی آمریکا به فعالیت جهانی در زمینه تولید و قاچاق مواد مخدر مشغول است. دولت ها و حکومت های کشورهای امپریالیستی و کشورهای وابسته به امپریالیسم نه تنها

چون آسا داشتند و در این رابطه حکم اعدام چند تن از رقبای خود را نیز صادر کرده بودند. امپریالیستها، سرمایه داران، مالکان و زمین داران بزرگ که در تولید و مواد مخدر سرمایه گذاری های کلانی می کنند، برای جلب بازار مصرف، تبلیغات مسمومی را شروع می نمایند، خیل بیگاران را به دافره تولید، توزیع و مصرف کلای جهانی خود می کشند و باین ترتیب نیروی عظیمی از اردوی کار و زحمت را از دافره تولید صنعت و سازندگی اجتماعی خارج کرده و در شبکه های پیچیده قاچاق و مصرف مواد مخدر، انسانهای مجانمده و از هستی فانی شده ای را به وجود می آورند که جسم زندگی از انحطاط ناشی از مناسبات سرمایه داری حاکم بر جامعه هستند. علاوه بر این زمینه بادی که عامل اصلی اعتیاد است، عامل ذهنی و فرهنگی نیز در کشیده شدن نیروهای اجتماعی به سمت این بیماری اجتماعی موثر است. تاکنون بنده گوه های امپریالیسم و سرمایه داری اینگونه تبلیغ کرده اند که اعتیاد یک میل باطنی و یک

کسانی نباشند که آن را بسازند و بفروشند، من چرا معتاد می شوم؟ فشارهای عصبی و روانی ای که در جوامع سرمایه داری بر افراد وارد می آید، زمینه را برای اعتیاد فراهم می کنند. انسانها در چنین جوامعی می خواهند بار سنگین مشکلات روزانه را دمی به فراموشی بپارند و از این روی به دام اعتیاد می افتند. از طرف دیگر بخشی از زحمتکشانی که دائم در معرض خطر بیکاری، بی پولی و عدم امکان تأمین معاش اولیه خود قرار دارند، برای گذران زندگی به ناگزیر به قاچاق مواد مخدر روی می آورند. ما بعد از اصلاحات ارضی و روی آوردن روستائیان به شهرها برای کار، شاهد گسترش قاچاق بودیم و تاکنون هر روز دامنه آن وسیع تر شده است. آموزش های فرهنگ صنعت سرمایه داری نیز افراد جامعه را در جهت تباهی و فساد سوق می دهد. طبقه سرمایه دار ایران با اشاعه فرهنگ و هنر مسموم کننده، خلافت نیروهای اجتماعی را در جهت های انحرافی به کار می گیرد. به این ترتیب تمام امکانات تباهی نیروها و استعدادها آماده می شود.

انسانها را به تباهی می کشاند در وجود مناسبات تولیدی سرمایه داری، وجود طبقات، وجود بهره کشی و سوداندوزی عذمای خلاصه می شود و به همین دلیل هم راه حل اساسی اعتیاد و سایر اشکال انحطاط و تباهی، نابودی چنین سیستمی و جایگزینی سیستمی به جای آن است که در آن اثری از طبقات، بهره کشی و سود اندوزی نباشد. در چنین جامعه ای همچیز در جهت رشد توانایی ها و استعداد های انسانی و ترقی و تعالی جامعه به کار گرفته خواهد شد. مواد مخدر در چنین نظامی به عنوان مواد زائد از دافره تولید خارج و فقط در محدوده صنایع دارویی به کار گرفته خواهد شد. تنها نظامی که چنین وضعیتی را متعاقب خواهد کرد، سوسیالیسم است. نمونه ای از آن را در کوبا و چین می بینیم. احزاب کمونیست این کشورها بعد از انقلاب و برقراری حاکمیت و سیستم جدید توانستند با برنامه ریزی اصولی و علمی اعتیاد و فحشا را که قبل از انقلاب در این کشورها بهداد می کرد از بین ببرند. ما در عین حال که از بین

باند های مسلح قاچاق همچنان به خرید و فروش مواد مخدر مشغولند و "باند های سیاه" با این شبکه ها و باند ها همکاری دارند افراد باند های سیاه خود غالباً از همین قاچاقچیان هستند. حاکمیت جهت مبارزه با فساد، "قلعه" محله بدنام تهران را برچید و سیستمی چینی نتوانست برنامه آموزشی و فرهنگی درستی ارائه دهد. عملاً موجب شد که بیماری های اجتماعی درون "قلعه" به سطح شهر کشیده شوند. با اعلام ممنوعیت گشت خشکاشی و جایگزین نکردن کار در زمینه کشاورزی برای آن دسته از کشاورزان که از راه گشت خشکاشی ایران معاش می کردند، نه تنها نتوانسته است مانع گشت خشکاشی خود بلکه در مواردی از جمله در روستاهای اطراف لرستان حتی با بیگتت و مایله سلحسانه روستائیان روبرو شده است. بیکاری حادی که اینک در میهنمان وجود دارد عامل بسیار مهم دیگری است در رواج بازار قاچاق و مصرف مواد مخدر و علاوه بر اینها اقدامات حاکمیت در زمینه ترک

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بقیه در صفحه ۱۵

الجزایر ،

هجده سال پس از پیروزی بر امپریالیسم فرانسه

نهم خرداد (سی ام ماه مه) سالگرد آغاز جنبش رهاشبخش در الجزایر است. (۱۹۵۴) نهضتی که ۸ سال به طول انجامید و با شهادت یک میلیون نفر از فرزندان قهرمان خلق سلطه صدساله امپریالیسم فرانسه بر الجزایر را پایان بخشید. حاصل سلطه استعمارگران بر الجزایر، فقر روز افزون دهقانان، بیسوادی بیش از ۹۰٪ مردم، بیکاری وسیع و رواج فحشا و اعتیاد بود. انقلاب الجزایر با کسب استقلال سیاسی، بعد از ویتنام ضربه دیگری بر پیکر امپراطوری استعماری فرانسه وارد ساخت.

رهبری انقلاب الجزایر را "جبهه آزادیبخش ملی" بر مبنای داشت. ستون فقرات این جبهه از نمایندگان سیاسی خردده بورژوازی شهری و دهقانان تشکیل شده بود. اما در جبهه عناصر سازشکار (که متضاد به سازش با استعمارگران و فئودالها بودند) از یکطرف و عناصری با تمایلات رادیکال سوسیالیستی از طرف دیگر قرار داشتند "جبهه آزادیبخش ملی" هدف اصلی خود را رهایی الجزایر از زیر سلطه استعمارگران و نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی اعلام کرده بود اما رهبران جبهه دیدگاه شخصی در مورد نظامی که می باید جایگزین نظام فئودالی استعماری می شد، نداشتند. آنها با اسهام از "سوسیالیسم الجزایری" یا "سوسیالیسم ویژه" سخن می گفتند ولی هیچ تصویر مدونی از محتوای آن نداشتند.

پس از پیروزی انقلاب بر استعمارگران فرانسوی (در سال ۱۹۶۲)، بن بلا که یکی از بنیانگذاران جبهه بود، در رأس جمهوری قرار گرفت. در دوره حکومت بن بلا که مدت سه سال به طول انجامید، زمینهایی که پس از فرار فرانسویان متروک مانده بود به اشغال دهقانان درآمد و دولت برای اینکه هم بهبودی در وضع دهقانان حاصل شود و هم از مهاجرت روستائیان به شهرها که بر میزان بیکاری و مشکلات دیگری افزود، جلوگیری شود؛ با صدور لایحه ای بر تصرف زمینهای متروکه صحنه گذاشت. در نتیجه ۲/۲ میلیون هکتار از ۷/۲ میلیون هکتار زمین قابل کشت الجزایر ملی شده و به صورت ۲۰۰۰ واحد بزرگ کشاورزی دولتی در اختیار دهقانان بی زمین قرار گرفت و برای کارگران این واحدها که بالغ بر ۱۷۰ هزار نفر می شد از طرف دولت حداقل دستمزد تعیین شد.

انقلاب دمکراتیک ملی در الجزایر که موفق به برانداختن سلطه سیاسی استعمار فرانسه و کسب استقلال سیاسی شده بود، بعنوان قدم بعدی در تعمیق انقلاب می باید فئودالیسم را که سد راه رشد و تکامل جامعه شده بود و پایگاهی برای امپریالیسم به شمار می رفت، ریشه کن کند و در راه استقلال اقتصادی حرکت کند. اما اکثریت غالب رهبران جبهه و از جمله بن بلا و سپس بومدین به علت موضع گیری طبقاتشان و اهمیت عینی وجود طبقات و مبارزه طبقاتی در جامعه را نادیده می گرفتند و معتقد بودند که ملت بطور واحد می تواند جامعه را از سلطه اقتصادی امپریالیسم رها سازد و به جلو سوق دهد. به همین خاطر بود که آنها از برخورد با فئودالها امتناع ورزیدند و دست آنها را در فعالیت علیه انقلابیون راستین باز گذاشتند و این کار به تقویت سازشکاران هم درجبهه و هم در دولت منجر شد.

نیروهای سیاسی دیگری که پس از کسب استقلال سیاسی همچنان در صحنه سیاسی الجزایر فعال بودند یعنی "حزب سوسیالیست انقلابی" و "جبهه نیروهای سوسیالیست" که توسط بعضی از رهبران و اعضای سابق "جبهه آزادیبخش ملی" تشکیل شده بودند، هیچکدام دارای برنامه منسجم نبوده و قادر نبودند سیاستی اصولی مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم دنبال نمایند. حزب سوسیالیست انقلابی که خود پایگاه توده ای چندانی نداشت به نیروی دهقانان در انقلاب کم بها می داد و بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص کشور، مرحله انقلاب را سوسیالیستی ارزیابی می کرد و جبهه نیروهای سوسیالیست نیز اصرار داشت که تاکتیکهای انقلاب چین را در الجزایر کلیشه نماید. بدین خاطر هیچکدام از این احزاب در دوران بعد از کسب استقلال سیاسی نتوانستند نقشی در پیشبرد انقلاب برعهده گیرند.

در فاصله سه ساله بعد از انقلاب به علت عدم برنامه مشخص و رشد ناراضی در بین توده ها، برخی ناآرامی های کارگری و دهقانی کشور را دربرگرفت و در این موقع بود که بومدین (که درزاس قوی ترین جناح جبهه و ارتش

آزادیبخش ملی قرار داشت) تحت عنوان پایان دادن به ناآرامی ها و جلوگیری از سرگرفتن اتحاد بن بلا با "جبهه نیروهای سوسیالیست" و رادیکالیزه شدن وی دست به کودتا زد و قدرت را به دست گرفت.

بومدین نیز همانند بن بلا از موضع نفی مبارزه طبقاتی حرکت می کرد و این کار دست جناح راست گرای درون دولت را که از حمایت فئودالها و سرمایه داران بزرگ برخوردار بود و نیروی متشکلی را تشکیل می داد بازگذاشت وی از اجرای برنامه ارضی جبهه (زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند) چشم پوشید و بیشترین سعی خود را روی اعمال کنترل بر منابع طبیعی و نفت و گاز صرف کرد. در دوره بن بلا، فرانسه بر طبق موافقتنامه "اوپان" متعهد شده بود که در ازای حفظ سرمایه ها و پایگاههای فرانسه در الجزایر، این کشور را در توسعه اقتصادی یاری داده و آن را در استخراج نفت و گاز شرکت دهد اما امپریالیستهای فرانسوی از

تجربه انقلاب الجزایر بیکار دیگر این اصل را به اثبات می رساند که انقلاب دمکراتیک هرچند ممکن است تحت رهبری خردده بورژوازی آغاز شده و گسترش یابد، اما انجام کامل وظایف آن محتاج رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر است.

اجرای تعهدات خود سر باز زدند و این قتل باعث شد که موج ملی کردن صنایع و سرمایه های خارجی آغاز شود (اغلب با پرداخت فرات) در همین حال مذاکره با شرکت های نفتی فرانسوی و آمریکایی برای امضای قرارداد استخراج نفت گاز با شرایط بهتر ادامه یافت.

امپریالیسم آمریکا که سعی داشت در الجزایر نیز مانند هندوچین جای فرانسه را بگیرد، توسط سازمان سیا و با همکاری جناح راست دولت شروع به مداخله و خرابکاری در الجزایر نمود. پوشش این مداخله که بطور آشکار و پنهان انجام می گرفت "مبارزه با کمونیسم" بود ولی موج تزوری که در سالهای ۶۸-۱۹۶۷ در الجزایر به راه افتاد غیر از کمونیستها تمام حامیان راستین انقلاب الجزایر را در بر می گرفت. هدف این حرکت متوقف ساختن موج ملی کردن ها در داخل و قطع مبارزه ضد امپریالیستی مردم الجزایر درعرصه جهانی و بالاخره تقاعد ساختن انحصارات آمریکایی به وجود محیط مساعد برای سرمایه گذاری در الجزایر بود. البته ناپیگیری رهبران خردده - بورژوازی جبهه که خود نیز گرایشات ضد کمونیستی داشتند و ناشی از ماهیت طبقاتی آنها بود، دست سازشکاران و عمال امپریالیسم و سیا را در این خرابکاری ها و ترویرها باز می گذاشت و بیکار دیگر به وضوح نشان می داد که ضد کمونیسم ابزار و سلاحی است که فرخندمت منافع امپریالیسم عمل می کند.

مبارزه برای ملی کردن منابع طبیعی، با ملی کردن ۵۰٪ سهام شرکت های نفتی و تقریباً تمام صنایع گاز طبیعی و عطیبات استخراج و حمل و نقل آن پایان یافت اما دولت الجزایر به خاطر نداشتن برنامه مدون و عملی دورنمایی برای توسعه صنعتی به نحوی که دوباره به امپریالیسم وابسته نشود، نداشت و به علت ماهیت طبقاتی خود نمی توانست داشته باشد و بدین خاطر سرمایه گذاری شرکت های امپریالیستی را به میزان کمتر از ۵۰٪ پذیرفت روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی نیز که می توانست در مبارزه با وابستگی های اقتصادی نقش چشمگیری ایفا نماید، بخاطر خرابکاری عناصر راست از حد محدودی فراتر نرفت. در اینجا برای اجتناب از برداشتهای نادرست باید گفت که اولاً روابط اقتصادی الجزایر با اردوگاه سوسیالیستی بنا به ماهیت ناپیگیرانه و برخی سیاستهای ضد کمونیستی حکومت الجزایر نمی توانست از حدیتهایی بالاتر برود و ثانیاً آنچه مهم تر است، اینکه اصولاً برای کشورهایی که به استقلال سیاسی نائل آمده اند روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی هرچند برای نیل به استقلال اقتصادی لازم است ولی

فی النفسه کافی نیست و وابستگی اقتصادی را از بین نمی برد. شرط تعیین کننده برای بنای اقتصاد کاملاً مستقل از امپریالیسم و ستکیری سوسیالیستی رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر می باشد.

برای اینکه از مملکت سرمایه گذاری های خارجی در جهت وابسته کردن الجزایر تصویر روشنی به دست آوریم یک نمونه می آوریم:

مجتمع ماشین سازی در "رونی" در نزدیکی الجزیره که توسط شرکت دولتی سوناکوم اداره می شود، بر اساس قراردادی (۱۹۷۰) با شرکت پولیه از گروه رنو فرانسه به وجود آمد و از سال ۱۹۷۲ شروع به کار کرد. این شرکت قرار بود سالانه ۲۵۵۰ دستگاه وسیله نقلیه (کامیون اتوبوس و...) تولید کند و طبق برنامه می بایست ۸۰٪ اجزاء این تولیدات از طرف خود این کارخانه و سایر کارخانجات صنعتی الجزایر تأمین شده و ۲۰٪ بقیه از شرکت های فرانسوی خریداری شود. طبق قرارداد، شرکت فرانسوی می بایست تا سال ۱۹۷۶ متخصصین الجزایری برای اداره کارخانه تربیت کند و اداره کارخانه را به دست خود الجزایری ها بسپارد اما شرکت فرانسوی تا سال گذشته از این کار بطور کلی طفره رفت و تنها در سال گذشته بخشی برای تربیت متخصص تأسیس کرده است. تربیت همین کار نیز موفقیت چندانی نداشته است. در ضمن افزایش تولیدات از ۲۸۵۰ دستگاه در سال ۱۹۷۷ به ۶۰۰۰ دستگاه در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تنها از طریق افزایش واردات اجزاء ساخت فرانسه تأمین شده است.

امپریالیسم به غیر از سرمایه گذاری مستقیم برای نفوذ در الجزایر از مجرای دیگری نیز استفاده می کند که عبارت است از دادن وام های کلان که اغلب با تعهداتی برای خرید کالا از کشور وام دهنده همراه است. باید توجه داشت که از آنجا که پس از رهایی از استعمار تغییرات بنیادی در سیستم اداری الجزایر انجام نگرفته است، زمین داران بزرگ و بورژوا بوروکراتها می توانند هم از طریق همکاری و شراکت با سرمایه های خارجی صنایع خود را تأمین کنند و هم سهم عمده از درآمد ملی را به خود اختصاص دهند.

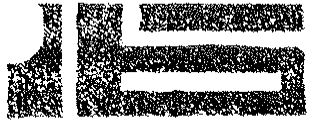
انقلاب الجزایر برای چندمین بار اصلی را که بنیانگذاران سوسیالیسم علمی ثابت کردند و تمام انقلابات سوسیالیستی در عمل بر آن صحنه گذاشتند تأیید می کند که: اصول عام مارکسیسم - لنینیسم جهان شمولی است و تنها سوسیالیسم علمی و نه سوسیالیسم های تخیلی می تواند جامعه را بطور قاطع از بلایای نظام طبقاتی برهاند.

در حوزه کشاورزی نیز مسئله دهقانان که حل آن یکی از وظایف اساسی مرحله دمکراتیک انقلاب الجزایر به شمار می رفت تا سال ۱۹۷۱ به غیر از ملی کردن زمین های متروک فرانسویان فراری اقدامی به عمل نیامده بود. همچنین تولید کشاورزی تا سال ۱۹۷۱ هنوز به میزان قبل از استقلال نرسیده بود. علت این امر را از طرفی در پائین بودن بازده کم تولید کوچک و از طرف دیگر در کمبود مدیران و متخصصین کشاورزی برای اداره مزارع دولتی باید دانست.

دولت الجزایر در سال ۱۹۷۱ برای قطع مهاجرت دهقانان به شهرها و افزایش بازده کشاورزی و بهبود زندگی دهقانان و در نتیجه گسترش پایه اجتماعی حکومت، منشور "انقلاب ارضی" را صادر کرد. فرم ارضی می بایست در سه مرحله انجام گیرد: مرحله اول تقسیم دوباره مزارع دولتی بین دهقانان را در بر می گرفت. در مرحله دوم می بایست املاک کلیه زمین دارانی که بیش از ۵۰ هکتار زمین در اختیار داشتند ملی گردیده و بالاخره در مرحله سوم به محدود کردن دام های دامداران و تقسیم چراگاهها می پرداخت.

پس از پایان مرحله اول و انجام بخشی از مرحله دوم میزان زمین ملی شده در حال حاضر به ۲/۴ میلیون هکتار از ۷/۲ میلیون هکتار زمین قابل کشت می رسد. مرحله سوم بقیه در صفحه ۱۲

گسسته بسادهدمه وابستگی های اقتصادی، سیاسی نظامی، فرهنگی



با افشای جنگ افروزان

از صلح عادلانه در کردستان دفاع کنیم

قسمت‌هایی از اعلامیه
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۵۹ اعلامیه‌ای درباره اوضاع کردستان و مواضع سازمان منتشر ساخته است. در این اعلامیه افشای عوامل جنگ افروز و ضرورت صلح عادلانه در کردستان تاکید شده است. بخشی از این اطلاعیه چنین است:

مردم مبارز ایران!
خلق قهرمان کرد!

یکماه از آغاز جنگ تحمیلی جدید در کردستان می‌گذرد، یک ماه کشتار مردم بی دفاع، یک ماه سباران و گلوله باران شهرها و روستاها و یک ماه مقاومت پرشکوه خلق در طول این مدت کردستان صحنه فجیع ترین کشتارها بود که در تاریخ میهنمان بی سابقه بوده است. هزاران نفر در اثر سباران و خمپاره باران شهرها کشته و زخمی شده‌اند. اکنون شهرهای سنندج، سقز و بانه به ویرانه تبدیل شده و مردم از این شهرها کوچ کرده‌اند. محاصره اقتصادی کردستان همچنان ادامه دارد.

نیروهای انقلابی و مسئول در کردستان تمام تلاشهای خود را برای جلوگیری از وقوع و گسترش جنگ به کار

برده‌اند و بارها و بارها مواضع صلح طلبانه خود را اعلام داشته و در عمل نیز نشان داده‌اند که خواهان جنگ نیستند اما نظری بر موضع گیری های هیئت حاکمه و نظری بر کارنامه چند ماهه هیئت ویژه دولت سیاستهای تفرقه افکنانه از طرفی و سیاستهای جنگ افروزان و نقل و انتقالات تحریک آمیز نظامی و تقویت واحدهای ارتش از طرف دیگر همه نشان می‌دهد که آنها کمترین اهمیتی به خواستهای برحق مردم کردستان که سالها به خاطر آن مبارزه کرده‌اند، نمی‌دهند. هیئت ویژه دولت پس از رفت و آمدهای بیپایان که هدفی جز دفع الوقت و ایجاد تفرقه در میان نیروهای سیاسی نداشت، ثابت کرد که نه می‌خواهد و نه آن اختیارات را دارد که بطور جدی خواستهای مردم کردستان را با هیئت نمایندگی خلق کرد مورد مذاکره قرار دهد. همه این گارشکنی‌ها زمانی صورت می‌گرفت که خلق کرد و هیئت نمایندگی‌اش با جدیت و احساس مسئولیت تمام آمادگی بی قید و شرط خود را برای انجام مذاکرات اعلام داشته و طرح خودمختاری خود را که مبنای برای

مذاکرات صلح بود، به هیئت ویژه ارائه و در معرض قضاوت هم میهنان گذاشت اما هیئت ویژه دولت نه تنها مذاکرات را جدی نگرفت بلکه دست از تفرقه اندازی هم برنداشت. از آغاز جنگ تحمیلی جدید تاکنون نیروهای ارتش و پاسداران و حشیرگی بی سابقه‌ای به سرکوب مردم بی دفاع پرداخته و تلاش نیروهای هیئت نمایندگی خلق کرد برای برقراری آتش بس و جلوگیری از گشتار مردم به نتیجه نرسیده است تاکنون نیروهای سیاسی جنبش مقاومت چندبار اعلام آتش بس کرده‌اند.

براستی باید پرسید که هدف آنها از لشکرکشی و سرکوب مردم کردستان چیست؟ چرا آنها از شکست جنگ گذشته درس نگرفتند؟ مقایسه وضع فعلی با اوضاع قبل از جنگ مردادماه سال گذشته نشان می‌دهد که خلق کرد هم در صحنه مبارزه سیاسی و اشیات حقانیت خواستهای خود برای مردم ایران و هم در صحنه سازماندهی مقاومت به پیروزی‌های چشم گیری نایل آمده است. در عین حال سرکوبگران به میزان زیادی پشتیبانی توده‌های مردم

ایران را برای تهاجم به کردستان از دست داده‌اند ماهیت جنگ تحمیلی و حقانیت خواستهای خلق کرد برای بسیاری از مردم میهنمان روشن شده است. سربازان درجه داران و افسران جزء ارتش به ماهیت جنگ افروزان پی برده و حاضر نیستند بار دیگر رو در روی مردم قرار گیرند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همواره از برقراری صلح عادلانه در کردستان پشتیبانی کرده است و در آینده نیز از هیچ کوششی برای رسیدن به صلح و قطع جنگ و رسیدن به خواستهای برحقه خلق کرد دریغ

نخواهد کرد. ما استقرار صلح عادلانه در کردستان را به نفع مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران می‌دانیم و اطمینان داریم که توطئه‌ها و اقدامات تهاجمی سرکوبگران اینبار نیز با مقاومت شدید و همه جانبه خلق قهرمان کرد روبرو خواهد شد و خلق ما صلحی عادلانه در کردستان را تحقق خواهد بخشید. تاریخ نشان داده است که هیچگاه نمی‌توان خلق مصمم و یکپارچه‌ای را که برای دستیابی به حقوق خود بیباکانه است به زانو درآورد.

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان
نابود باد توطئه جنگ افروزان در کردستان
مرگ بر امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران - شاخه کردستان
۵۹/۲/۳۰

بازداشت فرمانداران

و شهرداران کردستان را محکوم می‌کنیم

به قرار اطلاع ۹ تن از فرمانداران، شهرداران و بخشداران کردستان که برای تلاش در راه استقرار صلح و پایان یافتن محاصره اقتصادی شهرهای کردستان به تهران آمده و قصد مذاکره با مقامات رسمی دولت را داشته‌اند، توسط "نیروهای انتظامی" بازداشت و به زندان اوین تحویل داده شده‌اند.

این اقدام بخوبی بیانگر آن است که چگونه عوامل جنگ افروز از هرگونه کوششی که در راه صلح در کردستان صورت می‌گیرد، هراس دارند و تا چه حد برای ادامه و گسترش جنگ در کردستان اصرار می‌ورزند. ما ضمن محکوم ساختن این اقدام، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان هستیم

پاسداران گرگان:

فئودالها و وابستگان رژیم منفور پهلوی در پی ایجاد توطئه، تخریب و کشتار برآمده‌اند

با توجه به شرایط حساس کنونی در ترکمن صحرا و آغاز فصل برداشت محصول، فئودالها و زمین داران بزرگ تلاش می‌کنند تا با ایجاد تشنج و درگیری و نیز جنگ افروزی، مسیر اصلی مبارزات خلق ترکمن را به انحراف کشند. در رابطه بانقشه‌های عوامل جنگ افروز، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان اعلامیه‌ای صادر کرده‌است که بر این حقیقت تکیه دارد. ما عین

اطلاعیه را به جهت اهمیت آن درج می‌کنیم:
به دنبال اطلاعیه قبلی منی بر مبارزه علیه توطئه و تخریب مزارع توسط فئودالهای وابسته به رژیم منفور پهلوی در منطقه، این عناصر از دست دادن منافع خود برای ضربه زدن بیشتر به انقلاب شیوه جدیدی را جهت برهم زدن آرامش و ایجاد توطئه و تخریب زمین و کشتار افراد بیگناه اتحاد نموده‌اند و آن اینکه با مطرح

نمودن مسائل انحرافی از قبیل دهقانان محلی، کارگران سیستانی و کشاورزان ترکمن و ایجاد تفرقه و درگیری در بین مردم زحمتکش سعی در ایجاد آشوب و بهم زدن آرامش منطقه در موقعیتی را دارند که نزدیک برداشت محصول می‌باشد و چهره کره خود را در پشت این درگیری‌ها پنهان کرده و حتی با ماسک انقلابی خود را دلسوز انقلاب و حامی دولت جمهوری اسلامی

جا می‌زنند تا دسیسه‌های آنها بر مردم آشکار نگردد. لذا ما به تمامی کشاورزان و دهقانان و کارگران که عصری را تحت استثمار این عناصر بوده‌اند، هشدار می‌دهیم که در این موقعیت حساس از انقلاب و شرایط حساس منطقه هوشیاری خود را حفظ نموده و از هرگونه درگیری که توسط این عناصر ترتیب داده می‌شود و در نهایت به نفع ضدانقلاب است اجتناب نمایند و

آگاهانه یا ناآگاهانه آلت دست این افراد قرار نگیرند و به محض مشاهده هرگونه توطئه نیروهای انتظامی مسئول را در جریان قرار دهند تا توطئه آنها را خنثی و دست اشرار از منطقه کوتاه گردد.

روابط عمومی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی گرگان

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



اخبار کردستان

اعتیاد

بقیه از صفحه ۱۱

می توان انجام داد:

- ۱- تعقیب و کشف شبکه های تولید و قاچاق مواد مخدر، محاکمه سران جنایتکار این شبکه ها که معمولاً از سرمایه داران، مالکان و ارتشی های مزدور تشکیل یافته اند در پیشگاه خلق.
- ۲- ایجاد کار و جذب نیروها به مراکز صنعتی و کشاورزی
- ۳- از بین بردن قطعی مراکز فساد، جذب نیروهای که در این مراکز هستند به کار تولیدی.

اعتیاد نیز به دلیل نبودن مسئولین متعهد در درمانگاهها و عدم رسیدگی مسئولانه و انقلابی به وضع معتادین، عملاً عقیم مانده است. گماردن افراد غیر مسئول حتی در پست زندانبانی و عدم بازآموزی معتادین و قاچاقچیان که به زندان می افتند نیز به چشم می خورد. یک راننده که به جرم تصادف به زندان افتاده بود، بعد از آزادی برای ما نوشته است: "عدهای از زندانبانان اعم از افسر،

ناپیگیری و عدم توانایی دولت در مبارزه اصولی با تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر نه تنها دامنه اعتیاد را محدود نکرده بلکه ما شاهد گسترش روز افزون ابعاد آن بین نیروهای جوان جامعه مان هستیم

- ۴- ایجاد مراکز بازآموزی و اشاعه فرهنگ سالم از طریق رادیو-تلویزیون و مطبوعات توضیح علل و ریشه های این بیماری اجتماعی
- ۵- ایجاد مراکز تفریحات سالم، پرورش هنر و ادبیات انقلابی

- ۶- ایجاد مراکز درمانی رایگان برای ترک اعتیاد تحت مراقبت مسئولین و پزشکان متعهد
- ۷- ایجاد تامین برای آینده معتادینی که معالجه می شوند جهت بازگشت آنها به کار در موسسات تولیدی و اداری

- ۸- محدود کردن کشت خشخاش فقط برای مصارف دارویی و دادن زمین به کشاورزانی که به کشت خشخاش مشغولند و یا فراهم کردن کار برای آنها
- نابودی کامل اعتیاد و هر بیماری اجتماعی دیگر تنها با نابودی کامل نظام سرمایه داری و برقراری جامعه نوین - سوسیالیسم - تحقق پیدا خواهد کرد. مبارزات گسترده و رو به اوج توده ها علیه امریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران از هم اکنون چنین آینده روشنی را نوید می دهد

پاسان و پاسدار آخر شبها نزد زندانبان می آمدند و با گرفتن پول از آنها، هروئین یا مواد مخدر دیگری را در اختیار زندانبان معتاد می گذاشتند.

به این ترتیب می بینیم که ناپیگیری و عدم توانایی دولت در مبارزه اصولی با تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر نه تنها دامنه اعتیاد را محدود نکرده بلکه ما شاهد گسترش روز افزون ابعاد آن بین نیروهای جوان جامعه مان هستیم. موج اعدام هایی که اخیراً به دستور خلخال حاکم شرع صورت می گیرد، نیز راه حل اساسی و اصولی برای از بین بردن عاملین قاچاق و اعتیاد نیست. ما معتقدیم در عین حال که سران جنایتکار شبکه های تولید و توزیع مواد مخدر باید شناسائی دستگیر و به اشد مجازات محکوم شوند، اما اعدام واسطه های خرده پا که در حقیقت آلت دست مطامع گردانندگان اصلی این شبکه ها هستند، مشکلی را حل نخواهد کرد. ما معتقدیم در شرایط کنونی اقدامات زیر را برای محدود کردن دامنه اعتیاد

واهی شرکت در عملیات مسلحانه تیرباران می شود. مغازه های سندج همچنان به عنوان اعتراض بسته است و سرهنگ صدری مغازه داران را تهدید به مصادره اموالشان کرده است. در چند روز اخیر حملات و سعی به روستاهای اطراف سندج شروع شده و در اثر این حملات به روستای حسن آباد، عدهای از روستائیان زحمتکش شهید و خانه هایشان به آتش کشیده شده است. احشام متعلق به روستائیان نیز طعمه آتش خمپاره شده اند. گروهی از اهالی این روستا قبلاً به فرودگاه رفته و از مقامات مسئول خواسته بودند که از گلوله باران روستائیان خودداری نمایند ولی مزدوران ارتش چندتن از آنها را دستگیر و زندانی کرده اند.

گرمانشاه

پرسنل انقلابی هوانیروز کرمانشاه با انتشار اعلامیه ای در تاریخ ۵۹/۲/۲۵ اعلام موجودیت کرده و در اعلامیه خود ضمن دعوت از مردم به همکاری با پرسنل انقلابی تعهد کرده اند که مردم را در جریان آنچه در درون ارتش می گذرد، خواهند گذاشت

بانه

بعد از درگیری پیشمرگان و کلاهسپهائی که قصد داشتند در اطراف کوه آریابا فرود آیند، ۵ تن کشته و عدهای از این مزدوران به دست پیشمرگان قهرمان اسیر شدند. هلی کوپترها مرتباً در اطراف بانه پرواز می کنند و شهر و کوههای اطراف را بمباران می کنند. به دنبال فرود تیم اول، یک گروه دیگر چتر باز در این منطقه فرود آمد که عدهای توسط پیشمرگان دستگیر شدند.

سه شنبه ۳۰ اردیبهشت سردشت

عصر امروز ۴ فروردین هلی کوپتر شهر را به راکت بستند در این حمله دوتن از پیشمرگان زخمی شدند. روز بعد پیشمرگان به پادگان حمله کرده و یکی از ساختمانهای پادگان را منهدم کردند.

شنبه ۳ خرداد دیواندره

بدنبال درگیری های سختی که در ایرانشاه رخ داد ۷۰ نفر از نظامیان کشته و زخمی می شوند و از پیشمرگه ها نیز ۲ نفر زخمی و ۴ نفر به اسارت گرفته می شوند.

بانه

پادگان بانه همچنان در محاصره پیشمرگان است. نیروهای کمکی ای که از طرف ارتش به پادگان بانه اعزام شده بودند، تاکنون نتوانسته اند خود را به پادگان برسانند چون تمامی مواضع استراتژیک اطراف بانه در محاصره پیشمرگان است. نارضایتی مقامات حکومتی از نحوه عملکرد ارتش و پاسداران شدت گرفته است و نارضایتی متقابل ارتش از وضع موجود نیز باعث شده است که عدهای از درجه داران و افسران با کمال میل حکم اخراج و یا باز نشستگی خود را بپذیرند.

سندج

بدنبال استقرار ارتش و پاسداران در شهر، نوجوان ۱۵ ساله ای به نام "شهر مدرس" دستگیر و به بهانه

بدنبال سقوط پادگان "ربط" و پاسگاه "کولته" از چند روز پیش پرسنل مستقر در پادگان "ملاشیخ" اعتصاب غذا کرده و غذای پادگان را نمی گیرند. در روز ۵۹/۲/۲۷ بیست و هفت نفر دیگر از پرسنل این پادگان دستگیر و ۱۲ نفرشان در پادگان سردشت زندانی و ۱۵ نفر دیگر به کرمانشاه اعزام می گردند. موج نارضایتی در میان سربازان، درجه داران و افسران جز ارتش هر روز بالا می گیرد و فرماندهان ارتش جهت سرکوب آنان به شیوه های مختلف بازداشت، اخراج و تبعید و اعدام متوسل می شوند. در پادگان سردشت اختلافات شدیدی بین ارتشی ها بروز کرده و عدهای از پرسنل به عدم تمویض خود اعتراض کرده اند.

چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت بانه

هلی کوپترها شهر را به راکت بستند. در این حملات ۷ نفر از پیشمرگان و مردم بی دفاع زخمی شدند و چند خانه به آتش کشیده شد. عصر همین روز پیشمرگان کرد پادگان را مورد حمله قرار دادند و دو سنگرداخل آن را منهدم نمودند.

پنجشنبه اول خرداد دیواندره

امروز ارتش از طرف پادگان دهات و شهر را زیر آتش خمپاره گرفت. راهبای منتهی به مریوان توسط پیشمرگان سدود شده است.

سر کوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرامی باد خاطره مجاهدین شهید

روز یکشنبه ۲ خرداد هشتمین سالگرد اعدام دوسین گروه از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران و برحسبترین مبارزان این سازمان است. در این روز در سال ۱۳۵۱ رزمندگان انقلابی، محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان، محمود عسکری زاده و عبدالرسول مشکین نام به دست جلادان رژیم منصور شاه به جوخه اعدام سپرده شدند (در حدود یک ماه پیش از آن نیز در تاریخ ۳۰ فروردین ۵۱ نخستین گروه از رهبران مجاهدین خلق یعنی علی میندوست، ناصر صادق، علی باکری و محمد بازرگانی شهبانان شده بودند.)

اعدام این انقلابیون برحسب سالهای سیاه دیکتاتوری و عفتان هر چند ضربه‌های بزرگ برای سازمان مجاهدین خلق ایران محسوب می‌شد، اما نتوانست در آهنگ رشد این سازمان در سالهای بعد وقفه‌ای ایجاد کند و راه آنان دنبال شد.

ما باد این انقلابیون فداکار را که در راه رهائی خلق خویش از جان خود گذشتند و به مبارزه رو در رو با رژیم صدهلخی وابسته به امپریالیسم امریکا پرداختند، گرامی می‌داریم.

پیام وحدت و همبستگی

با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه

مقدم آن را تشکیل می‌دهند، از رفح بحران امپریالیسم ناتوان است و علیرغم شکنجه و تروری که از طرف نیروهای صهیونیستی در داخل و خارج سرزمین اشغالی اعمال می‌شود، نخواهد توانست مبارزه آزادی بخش فلسطین را متوقف سازد. علیرغم تمام کوشش‌ها برای از بین بردن هویت ملی توده‌های ما و حقوق حقه ما برای آزادی سرزمین اجدادیمان، مبارزه مردم فلسطین ادامه خواهد یافت.

مبارزه مردم فلسطین بر مبارزه توده‌های عرب برای آزادی و ترقی تکیه دارد و مورد حمایت نیروهای انقلابی بین‌المللی و کشورهای سوسیالیستی و پیمانشک آنها اتحاد شوروی می‌باشد.

رفقا! نظر به مبارزه جدی عوامل امپریالیسم در جهان عرب از طرفی به شکل تهدید نظامی مستقیم و از طرف دیگر به شکل هدایت و نفیوسیت نهضت‌های جدائی طلبانه علیه پیروزی مردم ایران، ما از آیت‌الله خمینی و تمام نیروهای مترقی ایران می‌خواهیم تا با همدیگر برای پیشبرد انقلاب در همان جهتی که آغاز شد، یعنی علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و عوامل داخلی آنها همکاری نمایند.

خوشحالم که به این مناسبت تریکات صیدانه، احترام و حمایت کمیته مرکزی، اعضا و مبارزان "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" را به شما و توده‌های مردم ایران عرض دارم.

رفقا! اهمیت انقلاب ایران بسیار بیشتر از عمل قهرمانانه سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه است؛ انقلاب توده‌های ایران نشان داد که امپریالیسم هراندازه هم که به ستم و خفقان متوسل شود، نه تنها در ایران بلکه در کشای بین‌المللی نیز شکست پذیر است.

با بالا رفتن سطح آگاهی توده‌ها نفوذ امپریالیسم امریکا در سراسر جهان کاهش می‌یابد. رفقا! بیایید به وضوح به دشمن امپریالیستمان نشان دهیم که هرگاه توده‌ها برای مبارزه با دشمن دشمنک در تمام سطوح متحد باشند، هیچ نیرویی برای تقابله با آنها را ندارد.

چنین امروز در عالی برگزار می‌شود که منطقه عربی با خطرناک‌ترین توطئه ارتجاعی امپریالیستی - صهیونیستی مواجه است که هدف آن نابودی نهضت ملی عربی بطور عام و نهضت مقاومت فلسطین بطور خاص که بزرگترین خطر را برای منافع دشمن در منطقه تشکیل می‌دهد، می‌باشد.

این ائتلاف که رژیم صهیونیستی و رژیم مصر پایگاه

جبهه خلق برای آزادی فلسطین
۳ مه ۱۹۸۰

مردوران امپریالیسم امریکا عامل انفجار در دفتر هواپیمایی ملی ایران (هما) هستند

به دنبال انفجارهای جنایتکارانه در اماکن پر جمعیت تهران و به دنبال تلاشهای مزدوران جنایتکار برای به آتش کشیدن خرمنهایی که محصول رنج شبانه‌روزی دهقانان زحمتکش میهن ما است. مزدوران امپریالیسم امریکا که از جانب رژیم‌های ارتجاعی منطقه حمایت می‌شوند، در ادامه فعالیت‌های ضدانقلابی خود علیه مردم ایران، دفتر هواپیمایی ملی ایران (هما) را در کویت با انفجار بمب ویران ساختند.

ما ضمن محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه، اعلام می‌داریم که این جنایات که برای تضعیف روحیه کارکنان مبارز هواپیمایی ملی ایران (هما) به عمل آمده است نه تنها هیچ‌گونه تاثیری بر اراده آنها نخواهد داشت بلکه پیوند آنان را با مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن بیش از پیش استوار خواهد ساخت.

تصحیح یک خبر (اخبار کردستان)

در "کار" شماره ۵۹ در صفحه اخبار کردستان خبر مربوط به سردشت ۵۹/۲/۲۳ صفحه ۹ نوشته بودیم "در این میان یکی از جاشهای معروف به اسم ملاحسن پوهستانی نیز زخمی شده است." با پوشش از خوانندگان به اطلاع می‌رسانیم که شخص مزبور جانی نبوده و یکی از اعضاء مبارز و فعال حزب دمکرات کردستان است.

پیام جنبش چپ انقلابی (میر-شیلپی) به مناسبت اول ماه مه

درد بر رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مردم ایران به مناسبت روز جهانی کارگر.

امسال جشن اول ماه مه را در شرایطی برگزار می‌کنیم که مردم ایران به مرحله عالیتری در مبارزه‌شان علیه امپریالیسم امریکا و بخاطر یک تغییر بنیادی در جامعه پای گذارده‌اند.

فعالیت‌های امپریالیستی کوشش بیهوده‌های است برای تحصیل رژیم قدیم و یا لااقل بعضی از متحدین پنهان آن و از این طریق تامین سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم در منطقه که برای منافع درازمدت آن بسیار حیاتی است. اما آنها تنها برای منافع جغرافیائی‌شان نمی‌جنگند بلکه همچنین می‌خواهند مبارزه انقلابی توده‌های مردم ایران را برای نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته و برقراری حکومت دمکراتیک توده‌ها و بازسازی اقتصاد بر پایه منافع مردم و بدور از هرگونه وابستگی خفه کنند.

امپریالیسم امریکا و متحدینش علیرغم عقب‌نشینی عمیقی که در اثر پیروزی انقلاب ایران و پیروزی ماندنیستها در نیکاراگوئه در سال ۱۹۷۹ متحمل شدند سعی دارند سلطه خود را در مناطق دیگر حفظ کنند. در السالوادور، امریکا بیهوده سعی دارد یک حکومت نظامی به اصطلاح رفرومیستی را که جایگزین رژیم فاسد دیکتاتوری رومرو شده است با برجا نگهدارد. اما توده‌های السالوادور سازمان‌های انقلابی و عناصر واقعا همکرات این کشور، مبارزه خود را برای استقرار یک حکومت خلقی، دمکراتیک و انقلابی ادامه می‌دهند. در بخش جنوبی امریکای لاتین

در این موقع حمایت متقابل و همبستگی بین توده‌هایی که علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و نژادپرستی مبارزه می‌کنند، باید بیشتر از هر وقت دیگری در تمام فعالیت‌های ما بیان شود.

پیروزباد مبارزات انقلابی مردم ایران و پیمانشک سیاسی آنها
پیروزباد مبارزه مردم السالوادور
مقاومت خلقی پیروز خواهد شد

نهضت چپ انقلابی (میر-شیلپی)
لندن - مه ۱۹۸۰

را فریب می‌دهند و به بی‌تفاوتی می‌کشاند آنها الگوی حکومتی سابق را تبلیغ می‌کنند و با صرف هزینه‌های کلان به سازماندهی مطبوعات خود پرداختند. در مطبوعات آنان، به نحو زیرکانه‌ای حکومت شاه تطهیر می‌شود و همه نابسامانی‌ها به مردمی که انقلاب کرده‌اند نسبت داده می‌شود. آنها می‌گویند با بی‌ارزش جلوه دادن مبارزات مردم، شوق رهائی از سلطه امپریالیسم و ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک را به ناامیدی و باس تبدیل کنند.

تبلیغات و جنگ روانی که امپریالیسم و

جنگ روانی امپریالیستها را با شکست روبرو سازیم

دوستان و جاسوسان آن به راه انداختند، عرصه تازه‌ای از پیکار خلقهای فیرمان ایران با امپریالیسم امریکاست. وظیفه همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست است که با هوشماری تمام با تبلیغات ضد مردمی عوامل امپریالیسم بطور پیگیر مبارزه کنند. اهداف این تبلیغات را برای مردم توضیح دهند و ماهیت آن را به مردم بشناسند و بخصوص اجازه ندهند که امپریالیستها و دوستان و جاسوسان آن خود را دوستان مردم معرفی کنند و به این ترتیب میز دوستان و دشمنان واقعی مردم را از بین ببرند.

آنان چهره گردند آنها نمی‌پندند که انقلاب در حال گسترش است و توده‌های میانی می‌روند که اساس نظام بهره‌کشی را زیر علامت سؤال قرار دهند. عملکردهای انحصارطلبانه و فیسبر دمکراتیک، فسطها و کسب‌وکارها، درماندگی در حل مشکلات اقتصادی و سیاسی که نتیجه سازشکاری و ناپیگیری حکومت است زمینه‌های مساعدی را برای تأثیرگذاری تبلیغات امپریالیستی فراهم کرده است دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا به فطاس و سوج شروع، شایعه، تهمت و افترا بخش می‌کنند افسوسکاری از مردم

رادپو بی. بی. سی. صدای امریکا، رادپو بغداد و رادپوهای متعددی که در اختیار بختیار و سلطنت‌طلبان در خارج از کشور قرار گرفته است، تمام تبلیغات خود را در این جهت سوق می‌دهند که مردم را به بی‌تفاوتی بکشاند تا در مقابل وقایع سیاسی که به سررفت آنان مربوط است، واکنشی از خود نشان ندهند. امپریالیسم امریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه تمام امکانات خود را در جهت زمینه‌سازی برای انجام یک کودتا در ایران بکار می‌بندند. غافل از آنکه مردم ما به آن اندازه بیدار و هوشیار هستند که نگذارند دشمنانشان بر

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر